

FROM
THE LIBRARY
OF
SIR WILLIAM OSLER, BART.
OXFORD

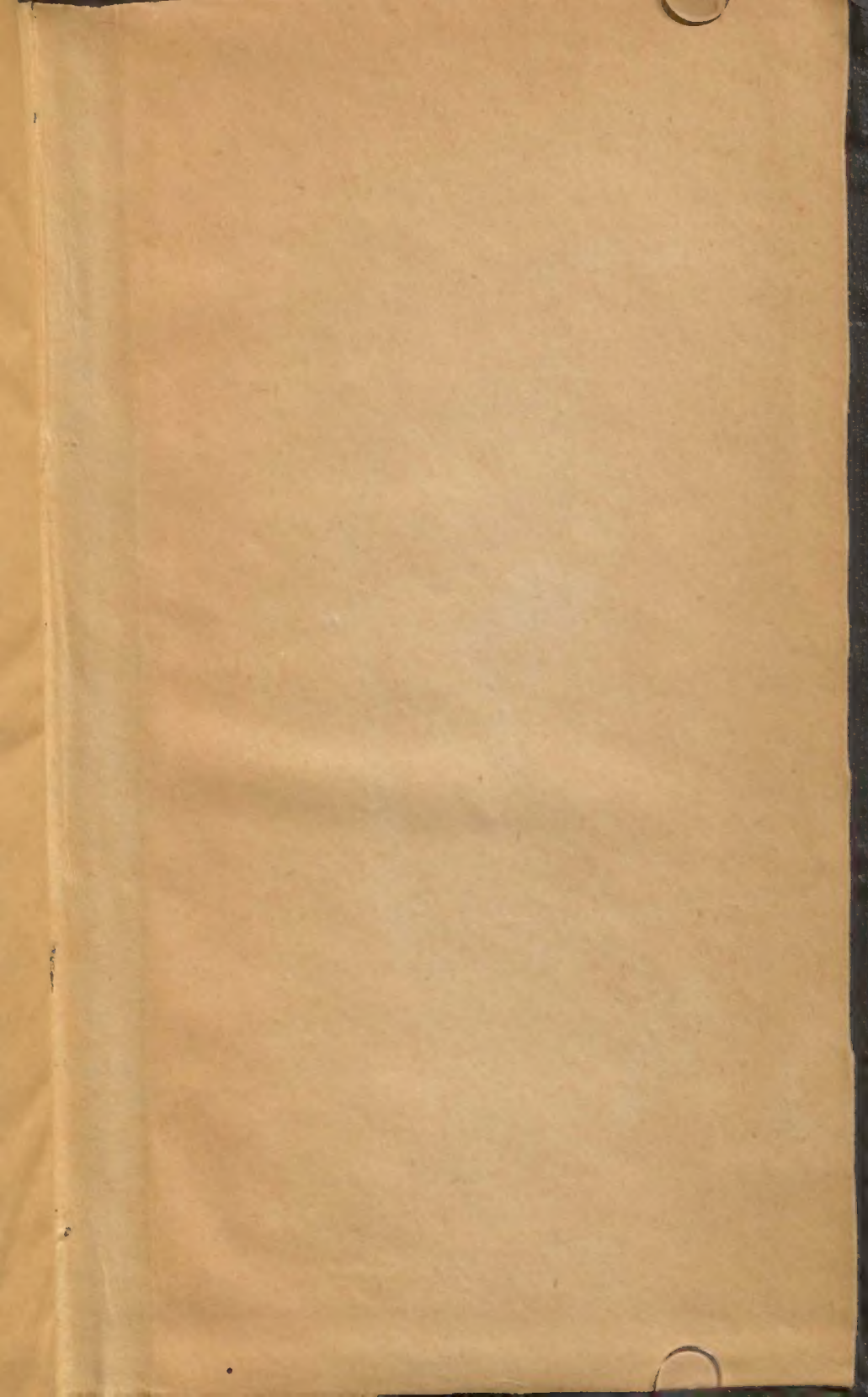
7785- 62

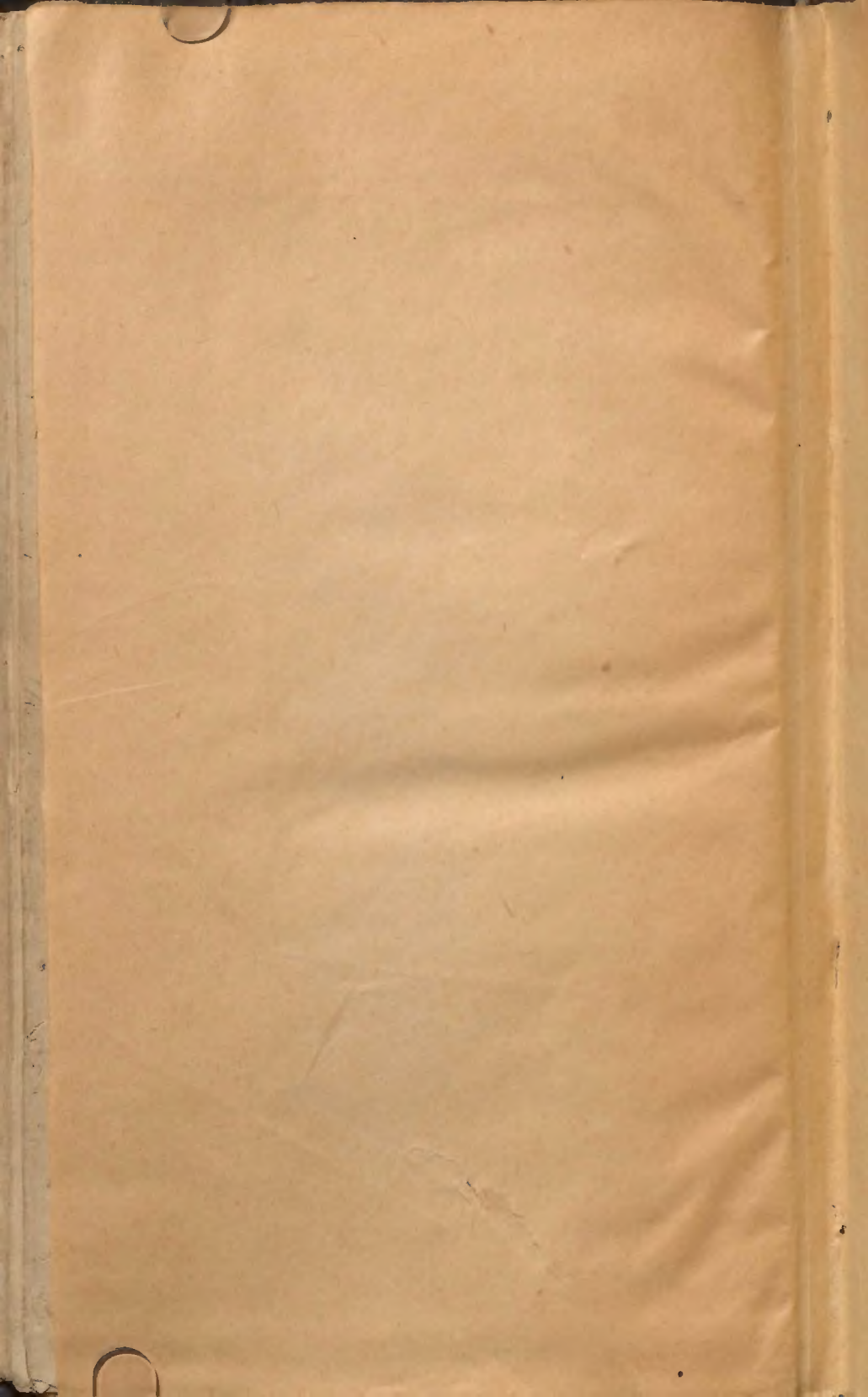
35

M49

7785

62





اللهم صل
على من
لنا جميع
من جميع
أعلى الدج
الغياث
الحسين

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ صَلَاةً نُنْجِي
بِهَا مِنْ جَمِيعِ الْأَهْوَالِ وَالْأَفَاتِ وَتَقْضِي
لَنَا جَمِيعَ الْحَاجَاتِ وَتَطَهِّرْ بَابَهَا
مِنْ جَمِيعِ السَّيِّئَاتِ وَتَرْفَعْنَا عِنْدَكَ
أَعْلَى الدَّرَجَاتِ وَتُبَلِّغْنَا بِهَا أَقْصَى
الْغَايَاتِ مِنْ جَمِيعِ الْخَيْرَاتِ فِي
الْحَيَاةِ وَبَعْدَ الْمَوْتِ إِنَّكَ مُجِيبُ

الدَّعْوَاتِ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

در امراض معده مثل درم و هیضه و سوء مزاج و ضعف آن

و دماغ و زرب و بولیموس و فواق و اسهال معده و نفوس

و غشیان و غیره بواسطه **مغز** بودینه خشک پوست زرد اتوج

آفت منقذ **دانه** پس سماق منقذ **انار** دانه خشک پوست سبزه پوست

کشید **مصلح** روی باد **طبا** نیز سبزه کوفته بخته سفوف

سازند **بولیموس** یعنی عدم ترغیب هر که شیخ و تولید

ریاح در معده و ثقل معده و ضعف آن **صف** کلکند انبالی با آبی

سود سرشته بخورند و عقب آن عرق باد **عرق** و سبک تریت

بروزی معتدل داخل کرده **تخم** کنوشت پاشیده شیر گرم بپزند

روز دوم غلط قار و در شیر **تخم** خر بوزه اضافه نموده شاد این

نسخه بسیار تخفیف شد جوارش عود **ترش** جوارش **طالینوس**

پایم سرشته بخورند عقب آن **انیون** زیره سیاه **مصلح** می

اودی عرق غرق نمیکونه چو دیند خند در عرق بادیا عرق

با الوبس بجوت نزد نصف انداخته شود شربت انار به

منفع سنگین ده داخل ده بخورند ازین نهجا شربت هم معلوم

کردید در ماه معدی هم دفع شدند بوده باضافه کلکند افشا

داده شد **ترجمه** ریش ناریل که در آن نازیل سفید شود

بر آتش بسوزند بقدر یک شانه نهایت دو ماه بعد غسل فایده شود

بلند نهایت عربست **بر افشان** عرق خام موضعه غسل فایده

شسته با عرق بادیا بخورند ماسک به به بر حکم نذر انداخته بطریق حق

بکشند **ترجمه** اول معجون ضار شربت بخورند عقب آن

بادیا کلکند افشا در عرق غرق بادیا بجوت نیش

نیک طعام موده پالند داده شد ازین هر نزد دست اجابت

روز دوم بادیا پوست بلیله کابی نمون قشقی لاجر زرد بر کسار

کل سب کلکند در عرق بادیا عرق غرق بادیا بجوت نیش طعام

جیت

فانید در جیت

فانید در جیت

فانید در جیت

فانید در جیت

فانید در جیت

فانید در جیت

فانید در جیت

فانید در جیت

فانید در جیت

فانید در جیت

فانید در جیت

فانید در جیت

سوده باشد با خانه معجون خیارشور کنند **۱۲** **نایز** جلیقه پوست

پسته کاجی که در آن مستعمل است برای حفاظت جنین و بر دهن

بید انجیر **۱۳** جنین است لهذا داخل کرده شد **۱۲** **میت** **تفصیل** **۱۴**

موضعی **۱۵** **موضعی** **۱۶** **موضعی** **۱۷** **موضعی** **۱۸** **موضعی** **۱۹** **موضعی** **۲۰**

میگرد و دست می آید و نهج اطراف بود عرق علی السلب عرق

با و بان **۲۱** **۲۲** **۲۳** **۲۴** **۲۵** **۲۶** **۲۷** **۲۸** **۲۹** **۳۰** **۳۱** **۳۲**

۳۳ **۳۴** **۳۵** **۳۶** **۳۷** **۳۸** **۳۹** **۴۰** **۴۱** **۴۲** **۴۳** **۴۴**

۴۵ **۴۶** **۴۷** **۴۸** **۴۹** **۵۰** **۵۱** **۵۲** **۵۳** **۵۴** **۵۵** **۵۶**

۵۷ **۵۸** **۵۹** **۶۰** **۶۱** **۶۲** **۶۳** **۶۴** **۶۵** **۶۶** **۶۷** **۶۸**

۶۹ **۷۰** **۷۱** **۷۲** **۷۳** **۷۴** **۷۵** **۷۶** **۷۷** **۷۸** **۷۹** **۸۰**

۸۱ **۸۲** **۸۳** **۸۴** **۸۵** **۸۶** **۸۷** **۸۸** **۸۹** **۹۰** **۹۱** **۹۲**

۹۳ **۹۴** **۹۵** **۹۶** **۹۷** **۹۸** **۹۹** **۱۰۰** **۱۰۱** **۱۰۲** **۱۰۳** **۱۰۴**

۱۰۵ **۱۰۶** **۱۰۷** **۱۰۸** **۱۰۹** **۱۱۰** **۱۱۱** **۱۱۲** **۱۱۳** **۱۱۴** **۱۱۵** **۱۱۶**

عرق بادیا چون نزد صعبان درخت نخم شربت بزور معتدل
 ۱۰۲

دافله و کلسر عرق سوخته کوده پاشیده بنویسند

شربت بادیا بر آب کلسر بر آب بادیا بر آب کلسر
 ۱۰۳ ۱۰۴ ۱۰۵

دانه مویر بر آب دانه خنک اش سفید بر آب در عرق کلسر شیر کوده
 ۱۰۶

شربت به شربت حبس کلسر دافله و کلسر عرق سوخته
 ۱۰۷ ۱۰۸

کلفت بادیا بر آب کلسر بر آب کلسر عرق بادیا عرق
 ۱۰۹ ۱۱۰

عرق کلسر شربت بزوری معتدل دافله و کلسر عرق سوخته
 ۱۱۱ ۱۱۲

بادیا در عرق بادیا کلسر شیر بر آورده جدوار صوفی
 ۱۱۳ ۱۱۴

عرق کلسر دافله و کلسر عرق سوخته

کلسر بر آب کلسر بر آب کلسر عرق بادیا در عرق کلسر
 ۱۱۵ ۱۱۶ ۱۱۷

کلسر بر آب کلسر بر آب کلسر عرق بادیا در عرق کلسر
 ۱۱۸ ۱۱۹

دافله و کلسر عرق سوخته

کلسر بر آب کلسر بر آب کلسر عرق بادیا در عرق کلسر
 ۱۲۰ ۱۲۱ ۱۲۲

شیره طیاره اضافی کرده شد از بنج بالکل زایل گردید

و حرارت و تشنگی کمال بعد از هر سه خطائی

مرج بهاء در عرق ^{عند} کلاب شیره برآورده شوند

در ماه شوال در قعد ^{عند} در رمضان کثرت میدهد که بمجرّد استفرغ

کردن سقوط فوت و عرق سرد در اطراف عارض میگردد و

کاهی دستها شروع میشود و در یکدست فوقه زایل میگردد و

بعضی که آن را بمجرّد استفرغ جان ازین ببردن میشد وقت

بر در اطراف و کثرت عرق تریاق فاروق و عرق باد با حلاکه

داده شد و اندرون جهان حرارت بود که از عرق ^{عند} کلاب

و کلاب تسکین نمیشد و تا اصل دریا مرج بهاء در عرق ^{عند} کلاب

کلاب سه و فاو زهر کاد و مرج بهاء و فاو زهر نیز و تریاق وقت

سقوط منصرف عرق سرد و حلاکه داده شد که ازین فایده هیچ

نمیشد شراب برانتر بقدر دق و نیم پاد کلاب داده شد

بحر

داده شد و باد با جو و دین زنگ اینون مع کبابه جو شده است
 نم ز سوار سوار سوار
 نمح با استعمال آرد و شد از بنج نمح بسیار فایده بطور آرد
 برک و جو بنیب مع کبابه در غرق الکلیب شیر بر آرد و شیر کرم
 عدد عدد
 نمولند و انتر صحال نیب در دوا را آب جوش نیند نصف کنند
 صحنه کلاب بکرات نمولند و کاهی با فانه مع کبابه
 در جوش نند و اصلاح است از بنج نمح بسیار شد جوارش نمح
 نمولند آرد و با هم سرشته با جوش الکلیب کلاب و کاه
 با لربت اما لربت نمح سریت زرنک و کاه با طباشیر و زرنک
 انوار انوار
 مسحق کاه و لربت نمح از بنج نمح نصف کنند
 جوارش نمح ترش نمولند آرد و بنیم مهر و فطای سرشته
 بخورند و طباشیر نمح و صفت الکس بر آب پورت نمولند
 مع کثیر خشت بر آب سماق نمح بر آب شربت زرنک سریت
 انوار انوار
 انوار نمح و افکاره داده شد و انوار نمح و افکاره
 انوار

طایفه افشین اومی عوفام مصطفی اومی ازو
۲۸

کلفند در طریق عشق ^{کمار} عرق بادبان ^{کمار} کلاب ^{کمار} بکون ^{کمار} نند

نصف بند و غنچه بنویسد

دانش کمال بعد اول زیر معده مرج کلاه در حق علی قلب
اسم: زهره ۱۴۰۱

کتاب شیخ برادران دوا شده و بعد از این بداند و در حق السلام
• نواز

کتاب لغاب بر آوردن ضربت انار شیرین و افکار و خوشه
نویس

از هیچ بالکل ابرام ند معلوم شد که از سمیت یهود در معدن

سے عارض کر دیدہ ہذا اربع نسخہ کہ درفع سمیت بہ اصلاح معود

انيسون طالع بستر زير كياه
 ٤ سج ٣ سج ٢ سج

فصل فی معرفت مقام معتز فارسی بود بدین شرح نبات خدی

در عرف بادیا عرق عسل بجوشانند نصف نان در آن
 میازد — کوبان

میرزا محمد علی خان

کشف افشانی آدمی معروف جودار حقوق بادا
انوار ۱۰ سوره ۳۴ سوره ۳۵ سوره ۳۶ سوره

مصدقی اومی سوده سرشته همراه عرق ^{لاور} ^{لاور} عرق بادبان

شریت بزوری معتدل دافکده ^{لاور} ^{لاور} کشم کثوث پاشیده بوشند

ای برای ضعف معده خولنیان فلفل سیاه ^{لاور} ^{لاور} مصدق اومی

عوض خام بودید ^{لاور} ^{لاور} شریت اندرین سکنجین سوده سرشته

همراه عرق بادبان عرق ^{لاور} ^{لاور} فرد بر نذر از میج کفیف شده

عرق ^{لاور} ^{لاور} من المعولات الا لطفه موبوت و عرق

عرق ^{لاور} ^{لاور} بوند بوشند ^{لاور} ^{لاور} عرق

باریک سوه با طغنه سرشته با عرق ^{لاور} ^{لاور} عرق

عرق ^{لاور} ^{لاور} عرق ^{لاور} عرق

عرق کاین عرق بادبان شیر سورخان شیر ^{لاور} ^{لاور} شریت بزوری

معتدل دافکده کشم کثوث پاشیده باضافه ^{لاور} ^{لاور} طغنه شیر گرم

حب ^{لاور} ^{لاور} عرق ^{لاور} ^{لاور} عرق

بخور ز عقیق آن پیل موبوت بریان بادبان شیر بر او

شربت انار شیرین دافلکده نوشند **چهارم** بیع دونه غار
۱۰۱

از شیر ماده کاه نوشیدن نهایت نافع است **انفوسیت**

پنجم بکها مید موی سرس کوندار مایس خود
دام دام دام دام

مایس کلان مغز بل ملک سبزه کوفه بنجه سفوف سازند
دام دام دام

هر روز بقره رسته مغز باب تازه میخورد بایند قد جری را

ققع نقعابینا **ششم** کله قنداق زیره سبزه
۱۰۲

قلقل سبزه باریک سوسه سرشته با عرق بادیا عرق علی العلب
۱۰۳ ۱۰۴

نوشند **هفتم** عرق العلب
۱۰۵

عرق کاه و شریت انار شیرین شریت زرشک دافلکده و شریت
۱۰۶ ۱۰۷

باشند با خافه و دار المسک معسل جوارش عود ترش و رقی غره
۱۰۸ ۱۰۹

سرشته می کنند **تفویض** عود و شریت
۱۱۰

طباشیر زرشک بدانه باریک سوسه سرشته بخورند عقب آن
۱۱۱

اسمال با

عرق الغلب للخالص تجوز ^{الشيء} صندل سفيد صندل
١٥ ١٤ ١٣

عن العلي بن ابي طالب رحمه الله عن ابي عبد الله عليه السلام انه قال من قرأ سورة النور نزلت به من الجنة

برای اول وقت بر حرف هاء از بنجل برآید زیره کباب

فانظر بها بعرق النعلين ما أبدد دأده شده و دفع ه عنه

برک نوجو غیب فلفل کبابه یعوق علی علی سائید

بدهند اگر وجع محسوس نباشد البتة در دهنه و غشیه

الدیعی سفید بود اده یعنی بر بخت در کلاب سائید بودند و اگر

و جمع نباشد بیول جنب جوش نماید بدیند و گاهی با فلفل سیاه

داده میشود. در این صورت باید در دو سال اول بکوت نزد زلف

بماند ضاعوم و دوله با طلب افزوده داده میشود و بر بار

بیت نفوس معلوم علیه السلام و جوارس معلوم علیه السلام

همه مهر و خطای بحقوق طبایع و خلوص کوه شکر سسته با طوق بادیا
 امیر
 تمیز

بن علی علیہ السلام و در بر بند **اصف** بن علی علیہ السلام و در بر بند
۶ نوم

میرزا علی محمد بن میرزا محمد علی

از شکبانه کل سه منقوع الحلال از دادنه طمانیه مصطفی

عقود عام صعقتر فارس پست سنگدانہ مرغ قافله صغارقا مله لبار

آمله فی بودید خد کوفه نیمه یا شربت انا به منع خیر اند
 ۲۲ ۲۱ ۲۰ ۱۹ ۱۸ ۱۷ ۱۶ ۱۵ ۱۴ ۱۳ ۱۲ ۱۱ ۱۰ ۹ ۸ ۷ ۶ ۵ ۴ ۳ ۲ ۱

سپید باده قند بید یقوام آورده و بعد از غلظت شدن در آب حل و در آب حل شده

بجای یسوع در حق من احسان کرده یعنی زنده نگه داشتن من

رتبہ دارانہ ہجرتیہ

بر خداوند عالم و خواجه السید ابی قداس دعا و اعلیٰ درود بفرستد

و در این سجده در هر رکعت یکصد و بیست و یک بار یا یا یا

نوشته شده در روز دوشنبه ۱۳۰۲

محمّد بن علفه ان شاء الله

۱۱

برادر و نموشند از این نصفه تا بالکل به نصف شد **صفت**

باز معجون خیار شیر مجوز ز عقب آن یاد با گرم نموشند

کافور ^{۱۰} ۱۰۰ گرم ^{۱۰} ۱۰۰ گرم ^{۱۰} ۱۰۰ گرم ^{۱۰} ۱۰۰ گرم

بماند صفت نموشد یک طعام سه بار بنشیند نموشند روز دوم و

تقطیر بر دل معجون و نموشد و رنگ موقوف کرده در یوز صفت نموشد

سیخ افاده کرده شد **صفت**

باز معجون کوبیده

باشین صفت فاری شین یاد با و برق یاد با و برق ^{۱۰} ۱۰۰ گرم ^{۱۰} ۱۰۰ گرم ^{۱۰} ۱۰۰ گرم

بر آورده شیر گرم نموشند روز دوم یاد با و برق ^{۱۰} ۱۰۰ گرم ^{۱۰} ۱۰۰ گرم

مور غنیف جوش نین شربت بزوز معتدل ^{۱۰} ۱۰۰ گرم ^{۱۰} ۱۰۰ گرم

پاشین نموشند و با بونه اکلیل ^{۱۰} ۱۰۰ گرم ^{۱۰} ۱۰۰ گرم ^{۱۰} ۱۰۰ گرم

خمس خبازی بر سوز معلوم روشن کل صفا بر سوز فابند نصف شد

خمس ایجان نصف بر آن نصف تمام بر سوز فادام چرب افاده

نموشند

بشریت پشیرین سرشته با شیر بادیا در عرق النعلب عرق بادیا
برآورده شوند ۱۲ است ۱۰ بول ۵ بول ۵

۱۰ بول ۵ بول ۵ بول ۵ بول ۵ بول ۵

دویان با شیرین ۱۲ است ۱۰ بول ۵ بول ۵ بول ۵ بول ۵
عرق خام مصطفی رومی در دو آب آب چون بند نصف بادیه

نصف دو دو دام با دو دو دام لکلاب بعد دو دو کپڑای بنوشند

مجن ابابج بقطر یا بکفند سرشته شب عرق بادیا عرق النعلب
۱۰ بول ۵ بول ۵

شیر کرم خوردن بخوابانید از این در عارض بسیار خفیف شده

۱۰ بول ۵ بول ۵ بول ۵ بول ۵ بول ۵

۱۰ بول ۵ بول ۵ بول ۵ بول ۵ بول ۵

دوق نقر سرشته بخورند عرق النعلب عرق بادیا
۱۰ بول ۵ بول ۵ بول ۵ بول ۵ بول ۵

شربت بادیا پشیرین دافله و کحلر هم رجمان با شیر بنوشند و
۱۰ بول ۵ بول ۵ بول ۵ بول ۵ بول ۵

شام دقت صبح سه مقدم میزند ۱۲ است ۱۰ بول ۵ بول ۵

ان مابعد ^{اول} عرق کاوڑیا عرق علی العسل ^{اول} کلاب شربت ^{اول}

اما شیرین شربت لیب و افلاک و بنویند و دوم شیرین طباکیر ^{اول}

شیرین کسم کا پورا خاکی گرد مانند تحفیف شده ^{اول} **اهمیت فراوان** ^{اول}

معجون کونی با پوارش عسل شیرین شربت ^{اول}

نخورد عقیق آن زیر لیب بر یک شربت خاک دانه پیل بر یک ^{اول}

در عرق کپور و عرق علی العسل عرق بادیا شیرین بر آورد و سوم عرق ^{اول}

شربت اما شیرین و بید افلاک و فابویند ^{اول}

نوشته در ^{اول}

موت شربت نخورد عقیق آن شیرین بادیا و عرق علی العسل کلاب ^{اول}

بر آورده شربت اما شیرین و افلاک و بنویند ^{اول}

کلفتند با سنگدان مرغ بادیا ^{اول}

مصطفی رومی کسم شربت نخورد عقیق آن عرق علی العسل ^{اول}

شربت اما شیرین منع و افلاک و بنویند ^{اول}

مجر

نوشتار در ده مصطلح ادبی سوره سرشته بخورند عقاب
 باد این بر باد حب الاس بر باد خفته خفته بر باد خفته خفته بر باد
 باب شش بر آورده شربت طبعی و افکاره نبولند

عین

طبع باد با طبع
 ح باد

تو بر شفی شربت بزوزی شربت خشیاش داده شده

فشار از با بون اکلیل الملائک قسم قسم خیزد کرده اند این

نسخه تخفیف شد صفت شربت غلاب رب الوس عی

کاذب عی المصلح همزوج کردن نبولند

بهینه لعاب اینهمه عی کاذب عی المصلح شربت امار

تشنگی زنده و فراق و کوه تنفس با کلمه زایل گردید

فادیم کادی

فلفل باده در عی باد کلاب سوره شیر کرم سوره نبولند

۱۰ ۹ ۸ ۷ ۶ ۵ ۴ ۳ ۲ ۱

... ..

12. 5. 12

100

100

[Handwritten scribbles]

一、二

عمر خرم کو صد نف عالم رسد

مقدمه

1414 . 1415 . 1416

مجلس ۱۰۰

• ۱۲۰ •

۱۱۰۱

و افکار ده داده شد از پنج مرد و سحر بسیار تحقیق شد و از فتنه تها

تمام مرض زایل گردید **در وقت عشاء** **در وقت عشاء** **در وقت عشاء**

عقب آن بادبان سج بادبان **عقب** موثره جزیره

خوبانی باد بخوریه خرط مخلوفه خمس کانس خمس خمس خمی

بسیار فتنه مخلوفه اینون بوردینه خنک الوکاره کلفند

در عرق **عقب** عرق بادبان **عقب** بکون نزد نصف

بماند صفت عرق تر بخین خراش فکله باز صفت بخور

باخی ادب مسهل به سوزناده و پیر کای آب عرق **عقب**

نیکم و در پیر آب یخنی باب تازه نام شله بی روغن

بزرگ اشتها صادق فقط **در وقت عشاء** **در وقت عشاء**

سماق منفی طایفه بوسته پیردن پسته زرشک بیدانه صوفی

انار شیرین مسکنین سده سرشته بخورند عقب آن عرق بادبان

عرق باد بخوریه بنفشه **در وقت عشاء** **در وقت عشاء**

جفت
محبت

بسته با نان گزیده **در سبب شعله قلب** **سبب**

و تقویت **بر بوی مصطفی** روی عرق قام فلفل سیاه بودیده
۳۳۳ ۳۳۳ ۳۳۳

سوده بزرگ اما شیرین سکنجبین سبب در سرشته بخورند
۱۰۰۰ ۱۰۰۰ ۱۰۰۰

عقب آن عرق بادبان عرق **عسل** عرق بودیده بخورند
۳۳۳ ۳۳۳ ۳۳۳

در سبب **کافور** یا فستق روی عرق **مصطفی**
۳۳۳ ۳۳۳ ۳۳۳

جدواری **سحر** سرشته بخورند عقب آن عرق **عسل**
۳۳۳ ۳۳۳ ۳۳۳

عرق بادبان **سبب** بزوری معتدل دانه **خمس** شربت
۳۳۳ ۳۳۳ ۳۳۳

بانیله بخورند **در سبب** **سحر** **سحر** **سحر**
۳۳۳ ۳۳۳ ۳۳۳

در سبب **سحر** **سحر** **سحر** **سحر** **سحر**
۳۳۳ ۳۳۳ ۳۳۳ ۳۳۳ ۳۳۳

عرق **عسل** بخورند **سحر** **سحر** **سحر** **سحر** **سحر**
۳۳۳ ۳۳۳ ۳۳۳ ۳۳۳ ۳۳۳

در سبب **سحر** **سحر** **سحر** **سحر** **سحر**
۳۳۳ ۳۳۳ ۳۳۳ ۳۳۳ ۳۳۳

شیر **صعتر** **سحر** **سحر** **سحر** **سحر** **سحر**
۳۳۳ ۳۳۳ ۳۳۳ ۳۳۳ ۳۳۳

در سبب **سحر** **سحر** **سحر** **سحر** **سحر**
۳۳۳ ۳۳۳ ۳۳۳ ۳۳۳ ۳۳۳

در سبب **سحر** **سحر** **سحر** **سحر** **سحر**
۳۳۳ ۳۳۳ ۳۳۳ ۳۳۳ ۳۳۳

در سبب **سحر** **سحر** **سحر** **سحر** **سحر**
۳۳۳ ۳۳۳ ۳۳۳ ۳۳۳ ۳۳۳

درم و نفیس نساجی با دیوار برپا

عالم الطبع برهان مؤلفه مادانه و عرفی و الشعلی عرفی بادیه
سوره خواجه

سید الشیخ برادر دین و سر سید روح الله و امام دین است

باعتبار داده شد. **فصل** فی حبس الکلی بر بیان ششیل مارتیک

شربت حب الملک قسم ای که از این نوع شد از سر کفایت

بر ساری موزنیق و کوندری باریک

کوفته حبوبی بیده قدر شربت شش ماهه ناخته

سنا و کی موزنیق نبات قدر شربت شکر

بسم الله الرحمن الرحيم

سعد زکریا و خدیو مسعودی البکر بن ابی العباس بن محمد

عشق کا دریا فرسیرند

مكتبة جامعة القاهرة

بوست زرد انترج فلفل کرد و مصل درار

1877

در حصص فرغی بنیل الحب زخمیل احد منفی گونگونی فی ہند

مصطفیٰ رومی صغیر فارسی نوشت بلبل خانلری رومی

عصفور قافله صغار قافلک را جز بوی رشک بدید منفع

بجلا ب بودید خد کوفته خفته نام برادر و رفند سفید

عسل سفید بفرام آوردن در عین قوام به آب بزرگ بودینه بکنز

آب لیمو کاغذ بنڈارند تا بجہ قوام اوپر مسحوقہ داخل کریں

مرتب سازند و فواید بیست و پنج فقره را در حد و اندازه و در هر یک از این

دست رباب و غزالی که بصورتی علامتی سروده کشفند به صدی اولی

سور شسته بخورند عقب آن عرق ماه و این عرق علی الشعلب

شریت بزوری مقتل و افکاره بنوشند

کاهو کشنر خرد در عرق عسل شبیه برآمده شریف است

و اطفال را نموندند

سبحان الله اجماعه سوره برکت قبول خدا کرده مصطفی رومی

کنز العمال

[illegible]

افستبن رومی در حین پوست زرد انجیر اصل میدند سبزی

قرنفل بودینه خشک یک طعم یک سبزه یک لایه لایه خردل

جوب لیمون اودیہ کو فتنہ بخشنہ در آب لیمون کاغذی تیار دینا

نوع نکا دارند از این نسخه بسیار نفع بین کردید

تقریباً تمام تاریخ و جغرافیا در این کتاب
در دسترس است

پوست بلیله کا یہ پوست بلیله بلیله باہر اعلیٰ منقذ نور شک مباد

مصدق دوم معروف ازین ابناء کل سنه خولیان بود زرد و درج

اجورنن ملک لہابہ ملک لاسپور ری ملک طعام زمرہ کند لہابہ خٹہ ملک

مجلس بیایه قلع و راز لغوف حضرت نیکو بدارند ۱۲

فلفل کبود فلفل دراز مصطکی رومی

فرغ من قافلہ صفار قافلہ کبار جو زبہ سب سے زبہ کہنا سب سے لطیف

پوست بید کابی جبریش کوفته با سه برابر عسل بقوام آورده در عین قوام

جوانی محض شکر
تقویت عین

غیر از شکر بگذارند و فرغند شکر خالص و عسل از بخلاب سحر

دری طلادری تیره داخل کرده بپزند تا که یکذات شود و نگاه دارند

قدر شربت ۳ در تا ۴ در تقویت

در شربت بید کابی جبریش کوفته با سه برابر عسل بقوام آورده در عین قوام

غیر از شکر بگذارند و فرغند شکر خالص و عسل از بخلاب سحر

دری طلادری تیره داخل کرده بپزند تا که یکذات شود و نگاه دارند

قدر شربت ۳ در تا ۴ در تقویت

در شربت بید کابی جبریش کوفته با سه برابر عسل بقوام آورده در عین قوام

غیر از شکر بگذارند و فرغند شکر خالص و عسل از بخلاب سحر

دری طلادری تیره داخل کرده بپزند تا که یکذات شود و نگاه دارند

قدر شربت ۳ در تا ۴ در تقویت

در شربت بید کابی جبریش کوفته با سه برابر عسل بقوام آورده در عین قوام

غیر از شکر بگذارند و فرغند شکر خالص و عسل از بخلاب سحر

تقویت عین

جوانی محض شکر

تقویت عین

جوانی محض شکر

تقویت عین

جوانی محض شکر

تقویت عین

جوانی محض شکر

تقویت عین

یشت بزمسحق قرنفل دارچینی بودینه خشک افسنتین دمی

کوفته بجزیه با قند سفید و سیاه بقوام آورده مشک خالص

زعفران سوخته و افکارده و ورق نقره و ورق طلا و افکارده کفچه زنده تالم

یکذات نعون نکاید از زعفران و **روغن زیتون** و جوارش مصطفی بخورند

عقب آن عرق باد باری عرق بودینه عرق عسل العسل شربت بزدی

و افکارده و سولده و **روغن زیتون** و **روغن زیتون**

و **روغن زیتون** و **روغن زیتون** و **روغن زیتون**

و **روغن زیتون** و **روغن زیتون** و **روغن زیتون**

و **روغن زیتون** و **روغن زیتون** و **روغن زیتون**

و **روغن زیتون** و **روغن زیتون** و **روغن زیتون**

و **روغن زیتون** و **روغن زیتون** و **روغن زیتون**

و **روغن زیتون** و **روغن زیتون** و **روغن زیتون**

و **روغن زیتون** و **روغن زیتون** و **روغن زیتون**

[illegible]

الطنجاشه يا قند سعيد سل سعيد بقوام آورده در عين قوام
عبر اشهب بگذرانند تا اخنه شود و بعد از دو سه مسوقه داخل کرده و در
عقرا بجلاب سوم ورق طلا درق نصف داخل کرده بجز نهند تا که

بسم الله الرحمن الرحيم

بجوت نند نصف مانده از کجوت دو و در دم باطلاب و از فک دفعه ۳۱

دو او پلر تمام روز میفرستد باشند مجرب است

عنه و قال في تاريخه من راجع في فضل خواجه بزرگ

صفتی اوی سم ورق نقره ورق طلا رشته نخورد عقب آن

فرق بابا عرق علی شربت انار شیرین و انگورده میسند

عرق کا وزیا عرق شعلاب علیہ
۷ لوا ۶ لوا ۵ لوا

مرتب نام و تاریخ و اصطلاحه با صافه اعم از باب شصت و هجده
 ۲۰۱۲

در کتب
چندین
و غیر
طهران

در آب برک الشعلب س شین ضمه نماید خواه در کمال و اقل

ضمه نماید **در کمال** از شک بیدانه اردجو اضافه کرده اند

در کمال از شک بیدانه اردجو اضافه کرده اند

در کمال از شک بیدانه اردجو اضافه کرده اند

در کمال از شک بیدانه اردجو اضافه کرده اند

در کمال از شک بیدانه اردجو اضافه کرده اند

در کمال از شک بیدانه اردجو اضافه کرده اند

در کمال از شک بیدانه اردجو اضافه کرده اند

در کمال از شک بیدانه اردجو اضافه کرده اند

در کمال از شک بیدانه اردجو اضافه کرده اند

در کمال از شک بیدانه اردجو اضافه کرده اند

در کمال از شک بیدانه اردجو اضافه کرده اند

در کمال از شک بیدانه اردجو اضافه کرده اند

در کمال از شک بیدانه اردجو اضافه کرده اند

شریت امارتیرین د اخله ده بونند **و ز شرم سماق برین شربت**
 اولوم اولوم

ز رشک نو نذر اوس ده اضافه کرده شد بدین بوقت اظهار
 ۱۰۳ ۱۰۳

و جمع برشم بعد ابدان و ظرفه موقوف کرده شد و در السمال

و عواض لاصقه بسیار تخفیف شد و اشتها هم معلوم شد و ضعف

و نقابت نیز کم شده **و در سینه و سینه**

و در سینه و سینه شریت امارتیرین شریت ز رشک
 اولوم اولوم

رب القوت بولت بیرون بسته زهر مده خطائی مسحوق
 اولوم

تخم حاض برین نموده سرشته با عرق **و در سینه و سینه**
 اولوم

میخورد و مانند تخفیف شد **و در سینه و سینه**

و در سینه و سینه و در سینه و سینه

بج تخفیف شده بعد تهوع و غشای در سینه و سینه

و در سینه و سینه و در سینه و سینه

و در سینه و سینه و در سینه و سینه

رشته اول بهمان بر بان زرشک بیدانه بر بان طمانین

بر بان کشنیر خشک بر بان شیرین بر آورده سربت زرشک شرب

امارینج شمع و افکاره بنویسد بدفعات قدر مضع شد و قدری

استفراغ شده روزی نو شود اروس ده زمهر حل

مسحوق ورق طلا ورق نقره شربت زرشک سرشته بخورند

عقب آن بیدانه بر بان پوست پیرون بسته طمانین بر بان

کشنیر خشک سماق بر بان زرشک بیدانه بر بان در آب شیرین

بر آورده عرق بنوژه شربت امار شیرینج افکاره بنویسد

چار تخم بر بان بر ب پیرینج سرشته بخورند این استفراغ

نو شود اروس ده ورق نقره ورق طلا رب به شیرین

سرشته با عرق علیعلب داده شد نو شود اروس ده با

شیرجات مذکوره نفوذ به جهت فواقی شد بسیار مفید

فواقی به جهت

افتاده

باید

عود خوش بزمین مردار مسخوق مصطفی طهارتین سبوح و جمیع سرشته
 بخورند عقب آن عرق کریم عرق علیک بنویسند
 ۱۰۰ ۱۰۰ ۱۰۰

پهل بود پوست مصطفی رومی عرق فام پوست زرد انج درج
 ۱۰۰ ۱۰۰ ۱۰۰

جو کیمون صغیر فاریس برگ سداب زیتا کباده پوست بیلید زرد
 پوست بیلید نابلی بیلید کباده پوست بیلید امل منقر زرشک جیدانه
 ۱۰۰ ۱۰۰ ۱۰۰

دار چمن بخت در متصد مقل رزق معلول کل نسخ فلفل کباده
 دار فلفل ناخواه ملک طعام ملک بودر ملک کباده ملک سداب برگ
 خش کرده ادویه کوفته نیمه معقوف بخت نکاهارند و مقل
 ۱۰۰ ۱۰۰ ۱۰۰

از طعام و بعد آن یکانشه یا دو ماه میخورد و باشند
 دایاج باد بک مقل رزق برگ
 ۱۰۰ ۱۰۰ ۱۰۰

سداب دار چمن کلفند عرق علیک عرق باد بک کلاب
 بکون نزد نفس باند دست خوش ناریل در بای مسخوق
 ۱۰۰ ۱۰۰ ۱۰۰

بودار طهار

در وقت معده رقیق شود و فاسد می شود و نیز در وقت

باز در وقت شربت بزوری مفتوح شود و منضج مواد بفعلی

و سودا و در مقابل با صواب السهال دوری جهت در وقت مفرغ شود

با درختی که کل سفی تخم کفوت صره بسته قفس است که کاسه

پوست سح کالین (فستقین) زوی با داورد کلقتن شب در کلب

عرق کلقتن عرق کالین عرق کپور و تر کرده صی کپور نند

نصف بماند صفت نموده با شربت برای ادویه قند سفید بقوام آورده

مرتب سازند و موافق حال مریض استعمال در آرد مانع معود

و نخره و مناب صواب خفقان که بسبب صعود انحره معویه و کبدیه

بطرف قلب عارض شود بر اثر انحره علیات و اناهای

دور و داشتن مرتب نموده شده

عرق بودینه با شربت بزوری معتدل داخل با فاضل کلقتن

بالفستقین

با آفتابین اوجی سرشته شوند **در سالک** مو بر برق آفتابین بود
 پوست بچ کاین زرنگ بداند **در سالک** مو بر برق آفتابین بود
 طوق بادان بگوش نازنصف جان **در سالک** مو بر برق آفتابین بود
 صدفان باز صفت **در سالک** مو بر برق آفتابین بود
 معتدل اندازد **در سالک** مو بر برق آفتابین بود
 آفتابین در نوا **در سالک** مو بر برق آفتابین بود

تخم کاین کوه پوست بچ کاین **در سالک** مو بر برق آفتابین بود
 برکت بهتره **در سالک** مو بر برق آفتابین بود
 طلاب جویش خفیف داده **در سالک** مو بر برق آفتابین بود
 تخم کاین کوه پوست بچ کاین **در سالک** مو بر برق آفتابین بود
 طلاب جویش خفیف داده **در سالک** مو بر برق آفتابین بود
 تخم کاین کوه پوست بچ کاین **در سالک** مو بر برق آفتابین بود
 طلاب جویش خفیف داده **در سالک** مو بر برق آفتابین بود
 تخم کاین کوه پوست بچ کاین **در سالک** مو بر برق آفتابین بود
 طلاب جویش خفیف داده **در سالک** مو بر برق آفتابین بود

بوداده کشمیر بر آن خرمه برای سفره برادران خود نهاد

و بعد از آنکه در این شهر رسید

صفت مخفی بعد از این که برادر همان عرق مهر الطیخ شده

صفت مخفی بعد از این که برادر همان عرق مهر الطیغ است

نیم برآورده یافتند بعد از آنکه در میان خود
تقسیم کردند و هر یک را به صاحبش بازگردانیدند

بقوام آورده در عین قوام غیر از شهرت نماند تا که افاضه شود بعد

بهمین نفید هم سفیج کل کاوز با پوست زرد اترج کل سفیج

شیر خندانه بیل طمانیر دار حسن دروچ علفی عوف غیة

مصطفیٰ بنی ستمه پوت بیدیه کا بلر کیرا سمع منک خالص
(دور) (دور) (دور) (دور)

عرفان بجلال خود و اصل خود مرتب سازند قدر است

ماه ۱ صبح با برقیها رفتیم به ۷۰۰ موقوعه و بعد از ظهر به ۷۰۰ موقوعه

رئیس محترم شد. بواسطه این درشتند احدی را علیه مرا براناراج

در طرف لیوڑه مهر الطنج بنام خرمشیر برآورده شریف الابرار
نور

قند خد آب زرشک منقوع بکله ببقوام آورده در عین قوام

آب برل بودیده منبر آب لیمو کاغذ و اقل نمایند تا بکدر قوام رسد

عسل عمو غنی مصطلح و مرقه صفرا و فلفل کاهر پوست زرد انار

کنسرفنگ بادبان کل سبب بسیار کوفته سبب مشک فاضل

زعفران بکله بسمه دافل عمو و رقی رقی و رقی طاهره دانه

مرتب زنده و در آن سوره تاه مریم باقی علی بن علی عقیق کافور

کل منور زرشک بر دانه خیار و دانه کاه

در آب شکر ده فانیات عمو شربت نیلوفر سلیمانی

در آنکه ده فانیات با نیا بگویند

بادبان مع بادبان عسل

موثر بنی الطیب مورخان شیرین کوفته و شکر

در رقی رقی بادبان عقیق بجوان زنده

عسل عمو شربت نیلوفر معتدل در آنکه ده بگویند

۵۱۲
حینه عرق
اشتباق و درم
معد و روج طحال
و روج مفصل بود

۱۰۴

درم معطل تذکره ایست یادداشت

الغلبه منور منقر کاسه سکنجبین کاسه صغیر فارسی
 بر باد بپرید و آن بود که اصل الواس طلقند افتد
 تخم نشوت مرده در عرف باد و عرق غلبه بکوبند و نصف
 صاف نموده با خاندن عود خام و صندل شیرین

تذکره ایست نمونند

ایم و یا بید و یا در عرق بول مهر الطبع

برآورده شیرین اما شیرین قند عسل کندن با آب شیرین

چوبند جوز بوی رس طبا شیر قانم صفا قانم ببار کل سبع دار صبر بخیل تازه

شیر الطبع عود و زرد سبزه صغیر فارسی بر کوب و مصفی و بجا

قلع و فلفل در از زعفران مشک فالصر و قند بدست و رتیب

بد بپخته بقدر سه سه نه به با عرق کاذب و عرق لیون و کلاب

سکنجبین سوده گاه شین گاه شین مغز تخم کدو شیرین بکوبند

مجلس اول

[illegible]

ازت معصی

عقبات آن عرق کاذب از عرق الشعلب که بسیار است و شربت نیلوفر
داخل محوطه نمیکند. **شعلب** صدف فیض صدف
زرد شک جیدانه باب بر عنبعلب شیرا میاید بر طحال و معدن غامض
بر حرارت معدن و اصل طحال و حرارت تا دماغ بسیار مفید است.

فصل در تقویت قیاس و استنباط

پوست بلبید زرد پوست بلبید کاهبر بلبید لیماء اوله شوق پوست بلبید
 بود بلبید خاک قافله کبار قافله صغار بلبید صبح بلبید هر پنج ملک جو کین
 مرصع کوهی عوف غرق زنجبیل ابرو این برکت تنبلی خاک کرده غولیان
 نیک بلبیانی کوفه بنجه در آب بلبو کاهبر نراده در سایه خاک نازند

در کجا بدارند قبل طعام و بعد طعام بخورند

عرق کالین شربت بزدر معتدل داخله تخم کفش بانبید با فانه
 کفش قناری بزدر معتدل تخم کفش بانبید با فانه
 در عرق عسل عرق باد بلبو کاهبر نراده در سایه خاک نازند
 شربت بزدر معتدل تخم کفش بانبید با فانه
 عسل بلبو کاهبر نراده در سایه خاک نازند
 اضافه عرق کرم خرم نمایند و بالا این بلبو کاهبر نراده در سایه خاک نازند

در کجا بدارند

برو کل چوبی سافه مرتب نمود به بندند در عصر قلیل ز امیل گردید

مستوفی در امور دولتی

اسم غول شکر سفید یا هم میخته بخورند عفت آن
عقربا عفت عرق کاذب سنگین ساد و داخل دود بر کنند
افستین و در سفایح صنعتی کنند

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰
 ۲۰۱
 ۲۰۲
 ۲۰۳
 ۲۰۴
 ۲۰۵
 ۲۰۶
 ۲۰۷
 ۲۰۸
 ۲۰۹
 ۲۱۰
 ۲۱۱
 ۲۱۲
 ۲۱۳
 ۲۱۴
 ۲۱۵
 ۲۱۶
 ۲۱۷
 ۲۱۸
 ۲۱۹
 ۲۲۰
 ۲۲۱
 ۲۲۲
 ۲۲۳
 ۲۲۴
 ۲۲۵
 ۲۲۶
 ۲۲۷
 ۲۲۸
 ۲۲۹
 ۲۳۰
 ۲۳۱
 ۲۳۲
 ۲۳۳
 ۲۳۴
 ۲۳۵
 ۲۳۶
 ۲۳۷
 ۲۳۸
 ۲۳۹
 ۲۴۰
 ۲۴۱
 ۲۴۲
 ۲۴۳
 ۲۴۴
 ۲۴۵
 ۲۴۶
 ۲۴۷
 ۲۴۸
 ۲۴۹
 ۲۵۰
 ۲۵۱
 ۲۵۲
 ۲۵۳
 ۲۵۴
 ۲۵۵
 ۲۵۶
 ۲۵۷
 ۲۵۸
 ۲۵۹
 ۲۶۰
 ۲۶۱
 ۲۶۲
 ۲۶۳
 ۲۶۴
 ۲۶۵
 ۲۶۶
 ۲۶۷
 ۲۶۸
 ۲۶۹
 ۲۷۰
 ۲۷۱
 ۲۷۲
 ۲۷۳
 ۲۷۴
 ۲۷۵
 ۲۷۶
 ۲۷۷
 ۲۷۸
 ۲۷۹
 ۲۸۰
 ۲۸۱
 ۲۸۲
 ۲۸۳
 ۲۸۴
 ۲۸۵
 ۲۸۶
 ۲۸۷
 ۲۸۸
 ۲۸۹
 ۲۹۰
 ۲۹۱
 ۲۹۲
 ۲۹۳
 ۲۹۴
 ۲۹۵
 ۲۹۶
 ۲۹۷
 ۲۹۸
 ۲۹۹
 ۳۰۰
 ۳۰۱
 ۳۰۲
 ۳۰۳
 ۳۰۴
 ۳۰۵
 ۳۰۶
 ۳۰۷
 ۳۰۸
 ۳۰۹
 ۳۱۰
 ۳۱۱
 ۳۱۲
 ۳۱۳
 ۳۱۴
 ۳۱۵
 ۳۱۶
 ۳۱۷
 ۳۱۸
 ۳۱۹
 ۳۲۰
 ۳۲۱
 ۳۲۲
 ۳۲۳
 ۳۲۴
 ۳۲۵
 ۳۲۶
 ۳۲۷
 ۳۲۸
 ۳۲۹
 ۳۳۰
 ۳۳۱
 ۳۳۲
 ۳۳۳
 ۳۳۴
 ۳۳۵
 ۳۳۶
 ۳۳۷
 ۳۳۸
 ۳۳۹
 ۳۴۰
 ۳۴۱
 ۳۴۲
 ۳۴۳
 ۳۴۴
 ۳۴۵
 ۳۴۶
 ۳۴۷
 ۳۴۸
 ۳۴۹
 ۳۵۰
 ۳۵۱
 ۳۵۲
 ۳۵۳
 ۳۵۴
 ۳۵۵
 ۳۵۶
 ۳۵۷
 ۳۵۸
 ۳۵۹
 ۳۶۰
 ۳۶۱
 ۳۶۲
 ۳۶۳
 ۳۶۴
 ۳۶۵
 ۳۶۶
 ۳۶۷
 ۳۶۸
 ۳۶۹
 ۳۷۰
 ۳۷۱
 ۳۷۲
 ۳۷۳
 ۳۷۴
 ۳۷۵
 ۳۷۶
 ۳۷۷
 ۳۷۸
 ۳۷۹
 ۳۸۰
 ۳۸۱
 ۳۸۲
 ۳۸۳
 ۳۸۴
 ۳۸۵
 ۳۸۶
 ۳۸۷
 ۳۸۸
 ۳۸۹
 ۳۹۰
 ۳۹۱
 ۳۹۲
 ۳۹۳
 ۳۹۴
 ۳۹۵
 ۳۹۶
 ۳۹۷
 ۳۹۸
 ۳۹۹
 ۴۰۰
 ۴۰۱
 ۴۰۲
 ۴۰۳
 ۴۰۴
 ۴۰۵
 ۴۰۶
 ۴۰۷
 ۴۰۸
 ۴۰۹
 ۴۱۰
 ۴۱۱
 ۴۱۲
 ۴۱۳
 ۴۱۴
 ۴۱۵
 ۴۱۶
 ۴۱۷
 ۴۱۸
 ۴۱۹
 ۴۲۰
 ۴۲۱
 ۴۲۲
 ۴۲۳
 ۴۲۴
 ۴۲۵
 ۴۲۶
 ۴۲۷
 ۴۲۸
 ۴۲۹
 ۴۳۰
 ۴۳۱
 ۴۳۲
 ۴۳۳
 ۴۳۴
 ۴۳۵
 ۴۳۶
 ۴۳۷
 ۴۳۸
 ۴۳۹
 ۴۴۰
 ۴۴۱
 ۴۴۲
 ۴۴۳
 ۴۴۴
 ۴۴۵
 ۴۴۶
 ۴۴۷
 ۴۴۸
 ۴۴۹
 ۴۵۰
 ۴۵۱
 ۴۵۲
 ۴۵۳
 ۴۵۴
 ۴۵۵
 ۴۵۶
 ۴۵۷
 ۴۵۸
 ۴۵۹
 ۴۶۰
 ۴۶۱
 ۴۶۲
 ۴۶۳
 ۴۶۴
 ۴۶۵
 ۴۶۶
 ۴۶۷
 ۴۶۸
 ۴۶۹
 ۴۷۰
 ۴۷۱

صفت با ندهان مخفی می کنند

[illegible]

قصیدہ

Handwritten text in Urdu script, likely a signature or a note, located at the bottom of the page.

بجز این تمام ادویه و غیره
بجای خودشان عمل کنند

نصف نایب مخفی بنده **امیر** طعنه فلفل کباب

نبات سفوف ساخته هر صبح و شام با آب تازه فرو بریزد

ما بوزن اهل البيت خمس ترب خمس ترب

فمن حياز ثقلان نصف و اباب بر علی بن عبد الله

در کل دافع کرده بر عداوت کبد ضمایمانند نصف دوا در سر فاصل

بختمی بر طحال ضاوس زندا

جبال حسن زحیصل نفعل میا کوفه بنجته صوب بقدراکس بنزد

صحیح یکصد و شصت نام با غرقهها منسابه و اشربه منسابه بدینند

عبدالعزیز افضل الملک قلم خطی خضاری

باریک کوفته حبه باریک الکعت کبریا

بنده ضامن
انتقل
۳۴

کوفته بخت محبوب میزند دشت صبح یاقوت بادبار بخورند

سند

بیت سنگدانه مرغ سو

بشریب الابرارین سرشته با طاقی علی النعوب فرو میرند

باب اول فی بیان احوال و سیرت

عنه من مرقف برساوت از خرد و بخت نیک شریف برادر
۸۳ قاره ۸۲

معتمد التبرک تبرک سبزاب بر علی السلام بمنه دافعه

زیر کفشد

حقوق النعمان
صبيح ما دوا
شهر التعليل
صبيح كائنات

١٠٢
١٠٣
١٠٤
١٠٥

برادر محمد داوود دادگاه ازین رفع شغل و اضطراب

مؤید مدبر کان که سید علی قزوینی است
 علی التعلیل منقول و قراضا از کلام مشهور

بر سر کتب
بر سر کتب

المعلیٰ دوست محمد حسن رشید مدانی

روزنامه کارخانه آستون روز یکشنبه غرض از نگه داشتن اخبار

بنادر و جزایر
محمودیه

مجلس

بیت چکان خم کاین نموده کفند افند خشم نیش هریه

در عرق کبوتر عرق عنبر
عرق گاوین طلب سفید کردن

۱ بار ۱ بار ۱ بار ۱ بار

عبر کجوت نزد نصف مانند شصت نعم باشند غنیمت برابر اودیه نعم

اوردہ وقت سازند مجموع نسخہ دو وزن یک نسخہ در ایونند حسن و در یک

وزن ریوند صیفی نمونہ ۱۰۰ گرام واصل قوام سازند و در سحر

کتابهای فاضله که در این کتابخانه موجود است و در این کتابخانه

اسلم جانب قلب کرده اند

مجلس شورای ملی
شماره ۱۰۰
تاریخ ۱۳۰۲

سرشته بخورند عقب آن نسبی اصل الوسی نسبی بادا نسبی بر سبیل

در حق الله برآورده شربت بزرگ معتدل این شربت
۱۳۲ ۱۳۲

مروق و اظهاده فاخته پائینه نموشند

کتابت این مکتوب در شهر تبریز در روز ۱۲/۱۰/۱۳۰۲

در عراق علی بن ابی طالب چون نزد احمد بن محمد رسید

سرت بزور معتدل و افکاره بنویسند ^{۱۷۲}

کلیفند افتابی ایونند چینی پوست هیچ کبر کعبه سرت بنویسند ^{۱۷۲}

عقب آن عرق بادبان عرق کعبه سرت بزور معتدل ^{۱۷۲}

و افکاره بنویسند خاکش با اینست بنویسند نافع باد ^{۱۷۲}

دانه الله العفید امل است ملک بهانه کوفته بنویسند عرق کعبه ^{۱۷۲}

هم بقدر شش باد بابت تازه فرد بزور و دقت علبه ریاح بنویسند ^{۱۷۲}

اضافه کرده اند ^{۱۷۲}

اب بچون اند نه باد بماند صفت نوحه شش و افکاره بنویسند ^{۱۷۲}

چمال سرت بزور کعبه صبور است کعبه کعبه ^{۱۷۲}

یک کعبه هر روز میدادند باشند ^{۱۷۲}

هیچ کبر علقه و عرق بادبان بچون نفع بماند صفت نوحه ^{۱۷۲}

سکیندن سستی بزور و افکاره بنویسند ^{۱۷۲}

در کتب کتب مشهوره بعد از این که در کتب مشهوره

انجیر زرد مغیر نفخه تخم خربزه غلبه در کتب مشهوره

بجون نزد نصف باره تخم خربزه شربت بزور معتدل بکشد

بزور دانه که در کتب مشهوره تخم خربزه تخم شبت بکشد

انجیر زرد و کبریا فالص بخند سبب کمال غله نماید

در کتب مشهوره در کتب مشهوره

در کتب مشهوره در کتب مشهوره

در کتب مشهوره در کتب مشهوره

در کتب مشهوره در کتب مشهوره

در کتب مشهوره در کتب مشهوره

در کتب مشهوره در کتب مشهوره

در کتب مشهوره در کتب مشهوره

در کتب مشهوره در کتب مشهوره

در کتب مشهوره در کتب مشهوره

عرق شیر

بادبان عبادان ^{۱۳} ^{۱۴} ^{۱۵} ^{۱۶} ^{۱۷} ^{۱۸} ^{۱۹} ^{۲۰} ^{۲۱} ^{۲۲} ^{۲۳} ^{۲۴} ^{۲۵} ^{۲۶} ^{۲۷} ^{۲۸} ^{۲۹} ^{۳۰} ^{۳۱} ^{۳۲} ^{۳۳} ^{۳۴} ^{۳۵} ^{۳۶} ^{۳۷} ^{۳۸} ^{۳۹} ^{۴۰} ^{۴۱} ^{۴۲} ^{۴۳} ^{۴۴} ^{۴۵} ^{۴۶} ^{۴۷} ^{۴۸} ^{۴۹} ^{۵۰} ^{۵۱} ^{۵۲} ^{۵۳} ^{۵۴} ^{۵۵} ^{۵۶} ^{۵۷} ^{۵۸} ^{۵۹} ^{۶۰} ^{۶۱} ^{۶۲} ^{۶۳} ^{۶۴} ^{۶۵} ^{۶۶} ^{۶۷} ^{۶۸} ^{۶۹} ^{۷۰} ^{۷۱} ^{۷۲} ^{۷۳} ^{۷۴} ^{۷۵} ^{۷۶} ^{۷۷} ^{۷۸} ^{۷۹} ^{۸۰} ^{۸۱} ^{۸۲} ^{۸۳} ^{۸۴} ^{۸۵} ^{۸۶} ^{۸۷} ^{۸۸} ^{۸۹} ^{۹۰} ^{۹۱} ^{۹۲} ^{۹۳} ^{۹۴} ^{۹۵} ^{۹۶} ^{۹۷} ^{۹۸} ^{۹۹} ^{۱۰۰}

در عرق ^{۱۰۱} ^{۱۰۲} ^{۱۰۳} ^{۱۰۴} ^{۱۰۵} ^{۱۰۶} ^{۱۰۷} ^{۱۰۸} ^{۱۰۹} ^{۱۱۰} ^{۱۱۱} ^{۱۱۲} ^{۱۱۳} ^{۱۱۴} ^{۱۱۵} ^{۱۱۶} ^{۱۱۷} ^{۱۱۸} ^{۱۱۹} ^{۱۲۰} ^{۱۲۱} ^{۱۲۲} ^{۱۲۳} ^{۱۲۴} ^{۱۲۵} ^{۱۲۶} ^{۱۲۷} ^{۱۲۸} ^{۱۲۹} ^{۱۳۰} ^{۱۳۱} ^{۱۳۲} ^{۱۳۳} ^{۱۳۴} ^{۱۳۵} ^{۱۳۶} ^{۱۳۷} ^{۱۳۸} ^{۱۳۹} ^{۱۴۰} ^{۱۴۱} ^{۱۴۲} ^{۱۴۳} ^{۱۴۴} ^{۱۴۵} ^{۱۴۶} ^{۱۴۷} ^{۱۴۸} ^{۱۴۹} ^{۱۵۰} ^{۱۵۱} ^{۱۵۲} ^{۱۵۳} ^{۱۵۴} ^{۱۵۵} ^{۱۵۶} ^{۱۵۷} ^{۱۵۸} ^{۱۵۹} ^{۱۶۰} ^{۱۶۱} ^{۱۶۲} ^{۱۶۳} ^{۱۶۴} ^{۱۶۵} ^{۱۶۶} ^{۱۶۷} ^{۱۶۸} ^{۱۶۹} ^{۱۷۰} ^{۱۷۱} ^{۱۷۲} ^{۱۷۳} ^{۱۷۴} ^{۱۷۵} ^{۱۷۶} ^{۱۷۷} ^{۱۷۸} ^{۱۷۹} ^{۱۸۰} ^{۱۸۱} ^{۱۸۲} ^{۱۸۳} ^{۱۸۴} ^{۱۸۵} ^{۱۸۶} ^{۱۸۷} ^{۱۸۸} ^{۱۸۹} ^{۱۹۰} ^{۱۹۱} ^{۱۹۲} ^{۱۹۳} ^{۱۹۴} ^{۱۹۵} ^{۱۹۶} ^{۱۹۷} ^{۱۹۸} ^{۱۹۹} ^{۲۰۰}

شیر شتر آب ^{۲۰۱} ^{۲۰۲} ^{۲۰۳} ^{۲۰۴} ^{۲۰۵} ^{۲۰۶} ^{۲۰۷} ^{۲۰۸} ^{۲۰۹} ^{۲۱۰} ^{۲۱۱} ^{۲۱۲} ^{۲۱۳} ^{۲۱۴} ^{۲۱۵} ^{۲۱۶} ^{۲۱۷} ^{۲۱۸} ^{۲۱۹} ^{۲۲۰} ^{۲۲۱} ^{۲۲۲} ^{۲۲۳} ^{۲۲۴} ^{۲۲۵} ^{۲۲۶} ^{۲۲۷} ^{۲۲۸} ^{۲۲۹} ^{۲۳۰} ^{۲۳۱} ^{۲۳۲} ^{۲۳۳} ^{۲۳۴} ^{۲۳۵} ^{۲۳۶} ^{۲۳۷} ^{۲۳۸} ^{۲۳۹} ^{۲۴۰} ^{۲۴۱} ^{۲۴۲} ^{۲۴۳} ^{۲۴۴} ^{۲۴۵} ^{۲۴۶} ^{۲۴۷} ^{۲۴۸} ^{۲۴۹} ^{۲۵۰} ^{۲۵۱} ^{۲۵۲} ^{۲۵۳} ^{۲۵۴} ^{۲۵۵} ^{۲۵۶} ^{۲۵۷} ^{۲۵۸} ^{۲۵۹} ^{۲۶۰} ^{۲۶۱} ^{۲۶۲} ^{۲۶۳} ^{۲۶۴} ^{۲۶۵} ^{۲۶۶} ^{۲۶۷} ^{۲۶۸} ^{۲۶۹} ^{۲۷۰} ^{۲۷۱} ^{۲۷۲} ^{۲۷۳} ^{۲۷۴} ^{۲۷۵} ^{۲۷۶} ^{۲۷۷} ^{۲۷۸} ^{۲۷۹} ^{۲۸۰} ^{۲۸۱} ^{۲۸۲} ^{۲۸۳} ^{۲۸۴} ^{۲۸۵} ^{۲۸۶} ^{۲۸۷} ^{۲۸۸} ^{۲۸۹} ^{۲۹۰} ^{۲۹۱} ^{۲۹۲} ^{۲۹۳} ^{۲۹۴} ^{۲۹۵} ^{۲۹۶} ^{۲۹۷} ^{۲۹۸} ^{۲۹۹} ^{۳۰۰}

دو امک معتدل ^{۳۰۱} ^{۳۰۲} ^{۳۰۳} ^{۳۰۴} ^{۳۰۵} ^{۳۰۶} ^{۳۰۷} ^{۳۰۸} ^{۳۰۹} ^{۳۱۰} ^{۳۱۱} ^{۳۱۲} ^{۳۱۳} ^{۳۱۴} ^{۳۱۵} ^{۳۱۶} ^{۳۱۷} ^{۳۱۸} ^{۳۱۹} ^{۳۲۰} ^{۳۲۱} ^{۳۲۲} ^{۳۲۳} ^{۳۲۴} ^{۳۲۵} ^{۳۲۶} ^{۳۲۷} ^{۳۲۸} ^{۳۲۹} ^{۳۳۰} ^{۳۳۱} ^{۳۳۲} ^{۳۳۳} ^{۳۳۴} ^{۳۳۵} ^{۳۳۶} ^{۳۳۷} ^{۳۳۸} ^{۳۳۹} ^{۳۴۰} ^{۳۴۱} ^{۳۴۲} ^{۳۴۳} ^{۳۴۴} ^{۳۴۵} ^{۳۴۶} ^{۳۴۷} ^{۳۴۸} ^{۳۴۹} ^{۳۵۰} ^{۳۵۱} ^{۳۵۲} ^{۳۵۳} ^{۳۵۴} ^{۳۵۵} ^{۳۵۶} ^{۳۵۷} ^{۳۵۸} ^{۳۵۹} ^{۳۶۰} ^{۳۶۱} ^{۳۶۲} ^{۳۶۳} ^{۳۶۴} ^{۳۶۵} ^{۳۶۶} ^{۳۶۷} ^{۳۶۸} ^{۳۶۹} ^{۳۷۰} ^{۳۷۱} ^{۳۷۲} ^{۳۷۳} ^{۳۷۴} ^{۳۷۵} ^{۳۷۶} ^{۳۷۷} ^{۳۷۸} ^{۳۷۹} ^{۳۸۰} ^{۳۸۱} ^{۳۸۲} ^{۳۸۳} ^{۳۸۴} ^{۳۸۵} ^{۳۸۶} ^{۳۸۷} ^{۳۸۸} ^{۳۸۹} ^{۳۹۰} ^{۳۹۱} ^{۳۹۲} ^{۳۹۳} ^{۳۹۴} ^{۳۹۵} ^{۳۹۶} ^{۳۹۷} ^{۳۹۸} ^{۳۹۹} ^{۴۰۰}

دو امک معتدل ^{۴۰۱} ^{۴۰۲} ^{۴۰۳} ^{۴۰۴} ^{۴۰۵} ^{۴۰۶} ^{۴۰۷} ^{۴۰۸} ^{۴۰۹} ^{۴۱۰} ^{۴۱۱} ^{۴۱۲} ^{۴۱۳} ^{۴۱۴} ^{۴۱۵} ^{۴۱۶} ^{۴۱۷} ^{۴۱۸} ^{۴۱۹} ^{۴۲۰} ^{۴۲۱} ^{۴۲۲} ^{۴۲۳} ^{۴۲۴} ^{۴۲۵} ^{۴۲۶} ^{۴۲۷} ^{۴۲۸} ^{۴۲۹} ^{۴۳۰} ^{۴۳۱} ^{۴۳۲} ^{۴۳۳} ^{۴۳۴} ^{۴۳۵} ^{۴۳۶} ^{۴۳۷} ^{۴۳۸} ^{۴۳۹} ^{۴۴۰} ^{۴۴۱} ^{۴۴۲} ^{۴۴۳} ^{۴۴۴} ^{۴۴۵} ^{۴۴۶} ^{۴۴۷} ^{۴۴۸} ^{۴۴۹} ^{۴۵۰} ^{۴۵۱} ^{۴۵۲} ^{۴۵۳} ^{۴۵۴} ^{۴۵۵} ^{۴۵۶} ^{۴۵۷} ^{۴۵۸} ^{۴۵۹} ^{۴۶۰} ^{۴۶۱} ^{۴۶۲} ^{۴۶۳} ^{۴۶۴} ^{۴۶۵} ^{۴۶۶} ^{۴۶۷} ^{۴۶۸} ^{۴۶۹} ^{۴۷۰} ^{۴۷۱} ^{۴۷۲} ^{۴۷۳} ^{۴۷۴} ^{۴۷۵} ^{۴۷۶} ^{۴۷۷} ^{۴۷۸} ^{۴۷۹} ^{۴۸۰} ^{۴۸۱} ^{۴۸۲} ^{۴۸۳} ^{۴۸۴} ^{۴۸۵} ^{۴۸۶} ^{۴۸۷} ^{۴۸۸} ^{۴۸۹} ^{۴۹۰} ^{۴۹۱} ^{۴۹۲} ^{۴۹۳} ^{۴۹۴} ^{۴۹۵} ^{۴۹۶} ^{۴۹۷} ^{۴۹۸} ^{۴۹۹} ^{۵۰۰}

شیر شتر آب ^{۵۰۱} ^{۵۰۲} ^{۵۰۳} ^{۵۰۴} ^{۵۰۵} ^{۵۰۶} ^{۵۰۷} ^{۵۰۸} ^{۵۰۹} ^{۵۱۰} ^{۵۱۱} ^{۵۱۲} ^{۵۱۳} ^{۵۱۴} ^{۵۱۵} ^{۵۱۶} ^{۵۱۷} ^{۵۱۸} ^{۵۱۹} ^{۵۲۰} ^{۵۲۱} ^{۵۲۲} ^{۵۲۳} ^{۵۲۴} ^{۵۲۵} ^{۵۲۶} ^{۵۲۷} ^{۵۲۸} ^{۵۲۹} ^{۵۳۰} ^{۵۳۱} ^{۵۳۲} ^{۵۳۳} ^{۵۳۴} ^{۵۳۵} ^{۵۳۶} ^{۵۳۷} ^{۵۳۸} ^{۵۳۹} ^{۵۴۰} ^{۵۴۱} ^{۵۴۲} ^{۵۴۳} ^{۵۴۴} ^{۵۴۵} ^{۵۴۶} ^{۵۴۷} ^{۵۴۸} ^{۵۴۹} ^{۵۵۰} ^{۵۵۱} ^{۵۵۲} ^{۵۵۳} ^{۵۵۴} ^{۵۵۵} ^{۵۵۶} ^{۵۵۷} ^{۵۵۸} ^{۵۵۹} ^{۵۶۰} ^{۵۶۱} ^{۵۶۲} ^{۵۶۳} ^{۵۶۴} ^{۵۶۵} ^{۵۶۶} ^{۵۶۷} ^{۵۶۸} ^{۵۶۹} ^{۵۷۰} ^{۵۷۱} ^{۵۷۲} ^{۵۷۳} ^{۵۷۴} ^{۵۷۵} ^{۵۷۶} ^{۵۷۷} ^{۵۷۸} ^{۵۷۹} ^{۵۸۰} ^{۵۸۱} ^{۵۸۲} ^{۵۸۳} ^{۵۸۴} ^{۵۸۵} ^{۵۸۶} ^{۵۸۷} ^{۵۸۸} ^{۵۸۹} ^{۵۹۰} ^{۵۹۱} ^{۵۹۲} ^{۵۹۳} ^{۵۹۴} ^{۵۹۵} ^{۵۹۶} ^{۵۹۷} ^{۵۹۸} ^{۵۹۹} ^{۶۰۰}

در آن قوت اعداد خنای است لهذا رب القوت و

شدت عتاب دافعه شد و شیر بر اینک مصلحت

و این کبر مغز نیم کد و غرض مقشر

صدل عقیق مدول سیغ کا هو مغز نیم خیار نیم زیر هر هر

مغز بهر آن که در استغول بر النبع کا هو کشید خنک کوفته بخور

بلعاب استغول افراص سازند **صدل عقیق مدول سیغ**

و این غلب کا این زرشک به آن باب بر کشید بجز است

بر کبد ضامن نایند **و این** بر النبع عقیق و بر این لایه بر نشند

بخورند عقب آن شیر کاین و عرق **و این غلب** بر آوردن تربت

شیر و دافعه بخورند **و این** شیر کاین و عرق **و این غلب** بر آوردن تربت

بهر آن که در استغول بر النبع کا هو کشید خنک کوفته بخور

و این بر النبع عقیق و بر این لایه بر نشند

بخورند عقب آن شیر کاین و عرق **و این غلب** بر آوردن تربت

و این بر النبع عقیق و بر این لایه بر نشند

بخورند عقب آن عرق ^{دور} **بشعب** نعیمی ز رشک برآشوبد ^{۱۰۰}
 و افکند ^{۱۰۰} چارگرم برآشوبد ^{۱۰۰} **بشعب** نعیمی ^{۱۰۰} **بشعب** نعیمی ^{۱۰۰}
 شمع ز رشک برآشوبد ^{۱۰۰} **بشعب** نعیمی ^{۱۰۰} **بشعب** نعیمی ^{۱۰۰}
 شربت ^{۱۰۰} **بشعب** نعیمی ^{۱۰۰} **بشعب** نعیمی ^{۱۰۰} **بشعب** نعیمی ^{۱۰۰}
 مرجان ^{۱۰۰} **بشعب** نعیمی ^{۱۰۰} **بشعب** نعیمی ^{۱۰۰} **بشعب** نعیمی ^{۱۰۰}
 کلاب ^{۱۰۰} **بشعب** نعیمی ^{۱۰۰} **بشعب** نعیمی ^{۱۰۰} **بشعب** نعیمی ^{۱۰۰}
 برآشوبد ^{۱۰۰} **بشعب** نعیمی ^{۱۰۰} **بشعب** نعیمی ^{۱۰۰} **بشعب** نعیمی ^{۱۰۰}
 سرشته ^{۱۰۰} **بشعب** نعیمی ^{۱۰۰} **بشعب** نعیمی ^{۱۰۰} **بشعب** نعیمی ^{۱۰۰}

دوستیام بد شدند ^{۱۰۰} **بشعب** نعیمی ^{۱۰۰} **بشعب** نعیمی ^{۱۰۰}
 کل ^{۱۰۰} **بشعب** نعیمی ^{۱۰۰} **بشعب** نعیمی ^{۱۰۰} **بشعب** نعیمی ^{۱۰۰}
 صند ^{۱۰۰} **بشعب** نعیمی ^{۱۰۰} **بشعب** نعیمی ^{۱۰۰} **بشعب** نعیمی ^{۱۰۰}
 دو شبانه ^{۱۰۰} **بشعب** نعیمی ^{۱۰۰} **بشعب** نعیمی ^{۱۰۰} **بشعب** نعیمی ^{۱۰۰}
 مسخره ^{۱۰۰} **بشعب** نعیمی ^{۱۰۰} **بشعب** نعیمی ^{۱۰۰} **بشعب** نعیمی ^{۱۰۰}

باز فایده است نموده همانقدر را در هر گونه معادل در آفتاب
دارند و بعد از آن نموده نگاه دارند و وقت صبح بقدر وقت خود

بایست و اگر آب را شیرین تر کنند **بسیار** **فایده**

بسیار اگر آب را شیرین تر کنند **بسیار** **فایده** **بسیار** **فایده**

اگر آب را در آن کیویز مهر الفاس خفته شیرین تر شود و بقیه آورده و بعد

خود مقدار معینی که در شیرین کل فایده با کل سبع کشیدند صاف

کوفته پنجه و افکاره ورق تقوی و افکاره بجز زنند که نبات شود

بسیار **فایده** **بسیار** **فایده** **بسیار** **فایده**

بخورند عقب آن پهل مع پوست بر با شیرین اما شیرین با دانه شیرین

شیرین برآورده و افکاره بپوشند و خفیف شد **بسیار** **فایده**

بسیار مضافا لیس از شیر کاف نبات مفید است اکثر آن سو فایده

حاصل شد **بسیار** **فایده** **بسیار** **فایده** **بسیار** **فایده**

کشیدند تخم کاه و در آن بپزد و در آن کیویز عرق بنفشه

بسیار **فایده** **بسیار** **فایده** **بسیار** **فایده**

معجون کونیه باک پهلوان شیری بر آورد و ما سرت بز در مقلد

و انقدر که می شنیدند از این بگویند که منم تخم ثبت حکم تربت

ابن حشر زرد در سر که خالص بخت و عقل داخل نموده و علم کرده و با این

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على سيدنا محمد وآله الطيبين الطاهرين
الطاهرين الطاهرين الطاهرين الطاهرين الطاهرين الطاهرين الطاهرين الطاهرين الطاهرين

حکایت دوازدهم در بیان...

[illegible]

الحق سبحانه وتعالى هو الذي لا اله الا هو
الذي لا اله الا هو

سید محمد رفعت حسین علیہ السلام مع شریک انوار و السلام

کل از منی که با خود داخل کرد باز منی بر پا نشدند و بپوشند
از آن

المستعمل في...

موسیقی بر کسب و کار و فراوانی طویل از دولت و مدینه (کسب و کار و فراوانی طویل از دولت و مدینه)

مکتوبه تیغ پرورده نبوغه ما و با سبج یادگار شمع ترست کجاست کجاست

تکمیل کثرت صوره اینست بنوعی که در این کتاب مذکور است

عرق کعبه تر کرده جو بکوش نزنده مانند کاه سر

۱۵۱

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰

مجلس

باقند بقید بقوام آورده در عین قوام سرکه حاض و اهل غلبه تا بحکم قوام
۱۰۰

رسد نگاه دارند **اصابت با آب** آب دوع این تاب
۱۰۰

سنگدانه مرغ طباخیر سوخته و افکار ده شربت زر شک شربت ابرار
۱۰۰

آب ابرار سوخته و افکار ده تناول نمایند از زیر سرخ دوشسته تخفیف شده
۱۰۰

اصابت با آب که از استعمال زر شک شربت ابرار و شربت افکار
۱۰۰

و حفص می کشند و تخفیف شده و **اصابت با آب**
۱۰۰

سنگدانه مرغ سوخته با شربت ابرار سوخته آب بکر شربت باوی
۱۰۰

سنگدانه مرغ سوخته با شربت ابرار سوخته آب بکر شربت باوی
۱۰۰

اصابت با آب که از استعمال زر شک شربت ابرار و شربت افکار
۱۰۰

و حفص می کشند و تخفیف شده و **اصابت با آب**
۱۰۰

سنگدانه مرغ سوخته با شربت ابرار سوخته آب بکر شربت باوی
۱۰۰

سنگدانه مرغ سوخته با شربت ابرار سوخته آب بکر شربت باوی
۱۰۰

سنگدانه مرغ سوخته با شربت ابرار سوخته آب بکر شربت باوی
۱۰۰

سنگدانه مرغ سوخته با شربت ابرار سوخته آب بکر شربت باوی
۱۰۰

سنگدانه مرغ سوخته با شربت ابرار سوخته آب بکر شربت باوی
۱۰۰

شیر با رنگ با خانه حضرت علی صبح و کبر شمع و پاشید و

بارتنگ با شیر موقوف کرده اند

نقش عرق کاویان عرق الشعاب عرق کانج شیر

شیر الشعاب شربت انجبار و انگارده بنوشند

با بونه اخلیل ملک الشعاب

عرق الشعاب بنوشند

ریوند جنجی و با قنداقه سرشته بخورند

عقب آن آب بر عرق بنوشند

عرق بادبان شیر خام خربز شربت بزور معسل دانه کرده بخورند

ریوند جنجی و با قنداقه سرشته بخورند

اصلی زوفا خشک بر سیاهان باد آورد بادبان شیر انجبار

موزینق الشعاب در عرق ملک بخورند

حالت نفع شربت بزور معتدل و افکارده نباشند و گاه با تندرست
۱۰۰ روز

خیم بکاز میدهند و در بار و حج کبیر میروند و کافقند
۱۰۰ روز

و ملک معتدل است و عواض لاحقه نماید مفید است و اگر تریز
۱۰۰ روز

تر کرده مالیده و شربت نیکو و کفین بزور بارده
۱۰۰ روز

فناخته باشد نباشند
۱۰۰ روز

کافقند افکارده مالیده و شربت نیکو و کفین ساده و افکارده
۱۰۰ روز

داده شربت نیکو و کفین ساده و افکارده
۱۰۰ روز

در در مکر ترند تر کفین در برق کافقند تر کرده مالیده و شربت
۱۰۰ روز

داده شد و شربت نیکو و کفین ساده و افکارده
۱۰۰ روز

در برق نیکو و کفین ساده و افکارده
۱۰۰ روز

شربت نیکو و کفین ساده و افکارده
۱۰۰ روز

شربت نیکو و کفین ساده و افکارده
۱۰۰ روز

شربت نیکو و کفین ساده و افکارده
۱۰۰ روز

شربت نیکو و کفین ساده و افکارده
۱۰۰ روز

شربت نیکو و کفین ساده و افکارده
۱۰۰ روز

شربت نیکو و کفین ساده و افکارده
۱۰۰ روز

غلاب بیج آبجبار مخلوطه کاذب با بارتنگ موزیقه
در آن کاذب و این غلاب بکون نزد نصیب ندها نفوم
شریبت اما بزرگ شریبت آب کباب بیدانه دافله ده کباب
کل از من سحر با پیدا بنوشند
ضبار حلقه اکل الملک منقل البقید منقل سنی باب برک
عقله منقل منقل سنی و عظمه کاذب ده فها غایده و عظمه لافقه
بسیار خفیف شد
الو کاذب در کاذب و این غلاب بکون نزد نصیب ندها نفوم
آب برک کالین بزرگ و آب برک عظمه بزرگ و سنی
یاد با شریبت اصل الو منقل شریبت بزرگ و منقل دافله ده فها
پایین با فافه تر کین فراغ و کاذب بنوشند
نخن کالین مخلوطه غلاب در آن عظمه و کالین
جوش خفیف داده شریبت اما بزرگ شریبت بزرگ و منقل عظمه

بهرین
کوبیدن
جانب
بهرین
کوبیدن
جانب

بهرین
کوبیدن
جانب
بهرین
کوبیدن
جانب

بهرین
کوبیدن
جانب
بهرین
کوبیدن
جانب

بهرین
کوبیدن
جانب
بهرین
کوبیدن
جانب

بهرین
کوبیدن
جانب
بهرین
کوبیدن
جانب

بهرین
کوبیدن
جانب
بهرین
کوبیدن
جانب

۶۰

عرق باد با عرق کاینه شربت بزر معضل در فکاده با فکاده کفکده آفتاب
باز فستین در سحر کشته شمشیرت پانصد تیرام بنویسند
عشق الکلیل الکلیل فستین در یاب برک
عشق بزر سینه بزر خاد غانده سبب معهود طبعیت
بر قلعه اوزار آفتاب کرده شمشیرت در باد
سبح باد با عشق موزین از خرنوب سبب از فستین اور
تخم خرنوبه تخم شمشیرت صولت صولت کفکده آفتاب
در عرق باد با عرق الکلیل تکراده صبح بجز تندرست ماند
حاشا بجز تندرست بقیام آورده مرتب از تندرست بقیام آورده
شفا کلی یافت
در عرق باد با عرق الکلیل تکراده صبح بجز تندرست ماند
در عرق باد با عرق الکلیل تکراده صبح بجز تندرست ماند
در عرق باد با عرق الکلیل تکراده صبح بجز تندرست ماند

طلقند اما در حق باد با عرق ^{الغضب} _{اول}
 صفت غم ^{الغضب} _{اول} ^{الغضب} _{اول} ^{الغضب} _{اول}
 تخم ^{الغضب} _{اول} ^{الغضب} _{اول} ^{الغضب} _{اول}
 کانی کل ^{الغضب} _{اول} ^{الغضب} _{اول} ^{الغضب} _{اول}
 بت ^{الغضب} _{اول} ^{الغضب} _{اول} ^{الغضب} _{اول}

باد با طلقند اما ^{الغضب} _{اول} ^{الغضب} _{اول} ^{الغضب} _{اول}
 سرشته بخورند عرق ^{الغضب} _{اول} ^{الغضب} _{اول} ^{الغضب} _{اول}
 سرشته بزر ^{الغضب} _{اول} ^{الغضب} _{اول} ^{الغضب} _{اول}
 آب ^{الغضب} _{اول} ^{الغضب} _{اول} ^{الغضب} _{اول}
 عرق باد ^{الغضب} _{اول} ^{الغضب} _{اول} ^{الغضب} _{اول}
 شیدا باد ^{الغضب} _{اول} ^{الغضب} _{اول} ^{الغضب} _{اول}
 زرشک ^{الغضب} _{اول} ^{الغضب} _{اول} ^{الغضب} _{اول}

نما
 عرق باد
 سرشته بخورند
 سرشته بزر
 آب
 عرق باد
 شیدا باد
 زرشک
 طلقند اما
 صفت غم
 تخم
 کانی کل
 بت

باد با طلقند اما

بجای این فستق در غم خون فلفله و در غم غلبه و در غم

نبوت کند و در غم باد با بگون نزد فلفله و در غم نبوت کند

بزرگ معنل و در غم نبوت کند و در غم فلفله و در غم فستق

افغانه کرده و در غم با بونه اطلبل املک علی السلب و در غم

ضایع از سبل الطبل و در غم از غم فلفله و در غم با بونه

و در غم فلفله و در غم فستق و در غم فلفله و در غم فستق

مفید افغانه و در غم فلفله و در غم فستق و در غم فلفله

با فلفله و در غم فلفله و در غم فستق و در غم فلفله و در غم فستق

در غم فلفله و در غم فستق و در غم فلفله و در غم فستق

و در غم فلفله و در غم فستق و در غم فلفله و در غم فستق

فلفله و در غم فلفله و در غم فستق و در غم فلفله و در غم فستق

در غم فلفله و در غم فستق و در غم فلفله و در غم فستق

و در غم فلفله و در غم فستق و در غم فلفله و در غم فستق

فلفله و در غم فلفله و در غم فستق و در غم فلفله و در غم فستق

در وقت غلبه عروق بنور تر کرده مابین آنهاست و بنور تر شده
بنور تر شده و بنور تر شده و بنور تر شده و بنور تر شده
آب بر کالنه بنور تر شده و آب بر کالنه بنور تر شده و آب بر کالنه بنور تر شده
دودار است که معده عروق بنور تر شده و بنور تر شده و بنور تر شده
استقرار بنور تر شده و بنور تر شده و بنور تر شده و بنور تر شده
سودا یک سیمانی سرشته بنور تر شده و بنور تر شده و بنور تر شده
عروق بنور تر شده و بنور تر شده و بنور تر شده و بنور تر شده
جهت حرارت بنور تر شده و بنور تر شده و بنور تر شده و بنور تر شده
در تیریدات دیگر ارتفاع شده و بنور تر شده و بنور تر شده و بنور تر شده
بنور تر شده و بنور تر شده و بنور تر شده و بنور تر شده
آنها بنور تر شده و بنور تر شده و بنور تر شده و بنور تر شده
قبضه بنور تر شده و بنور تر شده و بنور تر شده و بنور تر شده
بنور تر شده و بنور تر شده و بنور تر شده و بنور تر شده
دم حلت بنور تر شده و بنور تر شده و بنور تر شده و بنور تر شده
بنور تر شده و بنور تر شده و بنور تر شده و بنور تر شده

لقد

کلفند انصاف و بوق و شمشیر عانی باد با لاجورد ندرت نصیبانند
 و شمشیر شربت نرور و شمشیر دانه که داده اند نفع شکم
 و قبض رفع شده بعد از این نفعی با لکل و دم و نفع و شمشیر
 گردیده نیک بیانی با کلفند انصاف شمشیر نرور و شمشیر ان شیره
 و در آن شیره زیره کبابه عانی باد با لاجورد شربت نرور
 شمشیر دانه که داده اند با لکل و نرور و شمشیر زایل شد نفع
 السعال کبد و با و صوف و تقویت زاده بعد دوا را لکل معتدل

لکل در شیره شمشیر نرور و شمشیر ان شیره نرور و شمشیر
 عانی عسل شربت ان شیره نرور و شمشیر زایل شد
 کل در شیره لکل شربت انصاف نرور و شمشیر انصاف
 کبریا شمشیر نرور و شمشیر کوفته نرور و شمشیر نرور و شمشیر
 شام باب تازه خود بر نرور و شمشیر ان شیره نرور و شمشیر
 بر دوا و شربت شمشیر باب تازه خود بر نرور و شمشیر ان شیره
 ز جیره عانی باد با لاجورد شربت نرور و شمشیر ان شیره
 بر آورده شربت ان شیره نرور و شمشیر دانه که داده اند

با لاجورد
 اطفال بزرگ دار شود
 نفع
 لکل
 عانی
 شربت
 نرور
 شمشیر
 دانه
 کوفته
 نرور
 شمشیر
 ان
 شیره
 نرور
 شمشیر
 زیره
 کبابه
 عانی
 باد
 با
 لاجورد
 شربت
 نرور
 شمشیر
 دانه
 که
 داده
 اند
 با
 لکل
 و
 نرور
 و
 شمشیر
 زایل
 شد
 نفع
 گردیده
 نیک
 بیانی
 با
 کلفند
 انصاف
 شمشیر
 نرور
 و
 شمشیر
 ان
 شیره
 و
 در
 آن
 شیره
 زیره
 کبابه
 عانی
 باد
 با
 لاجورد
 شربت
 نرور
 شمشیر
 دانه
 که
 داده
 اند
 با
 لکل
 و
 نرور
 و
 شمشیر
 زایل
 شد
 نفع
 السعال
 کبد
 و
 با
 و
 صوف
 و
 تقویت
 زاده
 بعد
 دوا
 را
 لکل
 معتدل

تخم زری از بریان با روغن دام چوب سافرا تا نینز نو کنند **ضمیمه است**
طحال تا معد بهونه الحبل الملك تخم حل تخم خضار تخم
 باد با حله کتان مقل در زرق زعفران روغن حل بدستور صمد غایب
جیب سودا القیده مقدده استفاکه با در سبیل بعد از سبیل
 در عرق علفه شیره برآورده شربت زرد معتدل شربت انار
 شربت تخم زردن شیره خیار مرغ و افکار و خاکش با شیره نو کنند
جیب دوم حار کبد علفه تخم کتان بگونه فون منور شربت بران
 کافور استفاکه در عرق علفه عرق بادان بخون انداخته
 شربت کافور شربت زرد معتدل و افکار و نو کنند **ضمیمه است**
 حنظل علفه حنظل علفه و روغن حل کتان با سبیل
 شیره برآورده روغن حل و افکار و حار غایب و دبال در علفه
 شیره کرم نینزند **جیب استفاکه** با در سبیل بعد از سبیل
 حبه الکی بریان بادان بر کتان برآورده عرق علفه عرق بادان
 شیره برآورده شربت انار شیره شربت حبه الکی و افکار و
 تخم کثرت با نینز و گاه بران کردن بر شربت **جیب دوم** دست

ضمیمه دوم

سودا القیده

درم حار کبد

و باو جیره و نصف و اسبانی نیز بعد اول و دادا ملک معتدل باقیقت
سیرتند بخورند عقیق آن باور از عقیق موزن نصف با و در دوزخ اند
شریف نور معتدل در دوزخ بود بر کبریا با و در دوزخ اند
کاین بر باور از عقیق عرق با و در دوزخ بود بر کبریا
معتدل در دوزخ بود بر کبریا با و در دوزخ بود بر کبریا
و تنوکید معتدل از عقیق تخم صلب تخم کتان از دوزخ
کلی سینه با و در دوزخ بود بر کبریا با و در دوزخ بود بر کبریا
بر کبریا با و در دوزخ بود بر کبریا با و در دوزخ بود بر کبریا
شیر کرم فخر نماید و در دوزخ بود بر کبریا با و در دوزخ بود بر کبریا
و در معتدل و محدب و عرش و حرارت و تقصیر و غیره
اول با و در دوزخ بود بر کبریا با و در دوزخ بود بر کبریا
و این گردن شد بعد از عقیق که با و در دوزخ بود بر کبریا
عقیق آن آب بر کاین نیز عرق با و در دوزخ بود بر کبریا
سیر عرق شیرین با و در دوزخ بود بر کبریا با و در دوزخ بود بر کبریا
ابا نذاک و دادا ملک معتدل با و در دوزخ بود بر کبریا

مسئله الطب اذ هو معقول لئلا يجوز ان يعقبن حكم كنون حرد كبر
افستني او حرد كنون كلفند اعدا ورن بادا ورن كنون كلفند
شربت بزور معراج افكوده بولند **همه** سنبل الطب
مجبوبه اذ هو افستني و حرد با بونه اصيل الله على الله
ساجده و عكس افكوده كنون هم ظاهر از بنه سخما با كل زائل
اگر ديد تصوير معالجه بر عرقه **همه** که بسبب يرقان قبل اسباب
درم معده و كبد و معال و بعض فرور و قل و عی بود اول
موز منق بادا و با بونست به بادا اصيل الحی حكم كنون حرد كنون
بولست به كافی كلفند اعدا ورن بادا ورن كنون كلفند
شربت بزور معراج افكوده كافی با بشوه بولند **بود وقت**
شدت حرارت معالجه به بادا ورن كنون كلفند عرق بنوخ
عرق كافی با بشوه كنون شربت بنوخ سنجیدی مده شیر و خیار
شیره عرق كافی بنوخ و اخلاد و خالنه با بشوه بولند **عین الی**
در عرق كافی بنوخ كنون عرق بنوخ بولند **عین الی**
مغصه شیر و خیار و شیر و عرق كافی بنوخ شیر و بادا **عین الی**

شریت نفیست مسکنی بس و در اصل کردن خانه بالبدن نموده رفت
فیض شدت حرارت و قلی و قش الویای و غیره کفشد
تر کردن مایه ها و غیره نموده اند **دانه سورا** (۱۰) از
موز فلوک تر کجی کفشد و اما نموده و در آن **دانه سورا** و کاه و زرد
تر کردن مایه ها و غیره نموده و با دانه سورا و **دانه سورا** و **دانه سورا**
وق و **دانه سورا** و **دانه سورا** و **دانه سورا** و **دانه سورا**
با فاد کفشد و اما کف نموده و با **دانه سورا** و **دانه سورا**
وق کاه و زرد و **دانه سورا** و **دانه سورا** و **دانه سورا**
با دانه سورا و **دانه سورا** و **دانه سورا** و **دانه سورا**
مستعمل و **دانه سورا** و **دانه سورا** و **دانه سورا**
افزاید و **دانه سورا** و **دانه سورا** و **دانه سورا**
مستعمل و **دانه سورا** و **دانه سورا** و **دانه سورا**
بر کبیده و **دانه سورا** و **دانه سورا** و **دانه سورا**
مورد نموده و **دانه سورا** و **دانه سورا** و **دانه سورا**
در وضع و **دانه سورا** و **دانه سورا** و **دانه سورا**

چهارم

موز منفر جو شلیده شربت با شیرین شربت زرد منسل و افکاره خاک
 با لبن و داده شده با صاف و در او ایک منسل مغو با یک مد **بده**
 فقه و او ایک منسل مغو یک با وین و لبن و وین کمان
 وین کمان شربت با شیرین داده شده **عرقه قاروره** و عرقه زایل
جیت استقار و درم عده دقت تزیید با وین و عرقه با وین
 و شربت موز منفر بر یک کمان از عرقه و عرقه زایل
 بر کمان و عرقه کفرین و عرقه با وین و عرقه شربت
 جو شلیده شربت زرد منسل و افکاره و کفرین با شیرین و عرقه
 مشق و اضاف کرده بر کنند و بعد از آن درم شیرین شربت در طبع فقه و افکاره
 با صاف و عرقه یک صغیر مختار داده شده و عرقه و کفرین و عرقه زایل
 بقصر کمان زایل شدند مشترک فی مابین اراض القلب و المذاع مثل الکمرز
 و البرشه و الفاج و القوة و الحفقان الحار و البارد و الدسره و
 و السرام و الصرع و الصلح و البیضه و الخورده و الحفنه حاده
بیت فایح و کمرز و کمان و عرقه فایح منفر حکم کفرین
 و عرقه کفرین و عرقه کمان و عرقه زایل و عرقه شربت و عرقه
 و عرقه کفرین و عرقه کمان و عرقه زایل و عرقه شربت و عرقه

فقه داده
 صغیر فایح

در صمد بنده قفسه ریون کفریست بکفریست کندم نکشور در دودان
آب بخون نند صفت عاقله منم شکیبای جاوشیزاشن محول
با بکرم رود شکل در خاک کرده بدستور محول حقه نمینند بهبه

خشم کاهودانه خفاش مشرب براده شرب کاهودان در اندک بدست
ایضا خشم کاهودانه خفاش بغیر مشرب براده شرب کاهودان در اندک بدست
خندل بغیر در خاک کرده خشم لنگر با بنیده بنشیند بهبه خوب چشم
دقت بصورت خوب چشم آفتاب خالص صبر قو طر زعفران افروز

در بار جیل بقدرش انداخته در خیره آرد انداخته بنشیند کرده هر کرده
لنگر کاهودانه در دودان کاهودانه کاهودانه کاهودانه کاهودانه
خنده لنگر کاهودانه در دودان کاهودانه کاهودانه کاهودانه کاهودانه

طبعوت مضطرب و خاکی شرب و طریقی صغیر با ایا ریخ فقیر الشریه
دقت خراب با بکرم فرو برد جهت تنهده مانع و تنهده بود ابر کاهودانه
ایا ریخ فقیر الکسریه اب الیوس غار بقون بسفاج فخر عقل اوزق
کوفته بخینه با مغز کس سرشته ریخ مادام بقدر حاجت استعمال نمایند
جست ضعف و نقابت کر از من باز خوردن خدا کرم عاقله

در دودان کاهودانه کاهودانه کاهودانه کاهودانه کاهودانه
در دودان کاهودانه کاهودانه کاهودانه کاهودانه کاهودانه
در دودان کاهودانه کاهودانه کاهودانه کاهودانه کاهودانه

صمد بنده قفسه ریون کفریست بکفریست کندم نکشور در دودان
آب بخون نند صفت عاقله منم شکیبای جاوشیزاشن محول
با بکرم رود شکل در خاک کرده بدستور محول حقه نمینند بهبه
خشم کاهودانه خفاش مشرب براده شرب کاهودان در اندک بدست
ایضا خشم کاهودانه خفاش بغیر مشرب براده شرب کاهودان در اندک بدست
خندل بغیر در خاک کرده خشم لنگر با بنیده بنشیند بهبه خوب چشم
دقت بصورت خوب چشم آفتاب خالص صبر قو طر زعفران افروز
در بار جیل بقدرش انداخته در خیره آرد انداخته بنشیند کرده هر کرده
لنگر کاهودانه در دودان کاهودانه کاهودانه کاهودانه کاهودانه
خنده لنگر کاهودانه در دودان کاهودانه کاهودانه کاهودانه کاهودانه
طبعوت مضطرب و خاکی شرب و طریقی صغیر با ایا ریخ فقیر الشریه
دقت خراب با بکرم فرو برد جهت تنهده مانع و تنهده بود ابر کاهودانه
ایا ریخ فقیر الکسریه اب الیوس غار بقون بسفاج فخر عقل اوزق
کوفته بخینه با مغز کس سرشته ریخ مادام بقدر حاجت استعمال نمایند
جست ضعف و نقابت کر از من باز خوردن خدا کرم عاقله
در دودان کاهودانه کاهودانه کاهودانه کاهودانه کاهودانه
در دودان کاهودانه کاهودانه کاهودانه کاهودانه کاهودانه
در دودان کاهودانه کاهودانه کاهودانه کاهودانه کاهودانه

و کوشش بول هم عارض می شود از این جهت **مستند** و دوا را مسک معتدل
 بود و نقره سرشته با عرق کافور یا فزونی برند و دود هر شب بستر کرده هیچ
 آب لال نهند **حب حقه** که از مختار **الحول** آورده است بسوی کسم
 نیکو خورد و آب بکوشند نصف باندند و عرق او عرق سید الجوز عرق
 داخل ده بطریق معمول بول آرد بسیار مجرب است و همچنین عمل عمل کرده
 میشود **حب برد** و **عاج** نیز بیدار یا جلد شیر و عرق صلیب
 شیر و عرق بنفشه و عرق مرغی با دود کافور عرق کافور یا بر آورده و شربت
 را عرق خود کوشش شربت اقیقون داخل ده بکشند و سه روز با شمع مال آرد
 اطفال بر این **عاج** که بر دماغ است و مجرب بوده و در علاج بواسیر
 در علاج معده که گاه می خورد اجابت میشود و زخودن عرق تنبلیا بر قان و خضه
 عارض می شود و صفت **تنبلیا** را در **عاج** با دود کافور اسفود و کوشش معطر
 اقیقون صندل عود بلبل حب بلبل پوست سیب کبریا عرق الجوز
 در جگر مسهل و مسهل کوب و زنجبیل قرص کل کافور یا برگ و کوشش
 با دود کافور بون و قش و عرق با دود کافور عرق کافور یا با دود کافور
 صحت بکوشند نصف باندند و عرق او عرق سید الجوز عرق
 صحت بکوشند نصف باندند و عرق او عرق سید الجوز عرق

عمل بسیار

三

بافزار

1874

باقند بقید ترکیب بقوام او در مرتب سازند **چند اشخاص**

مسجد البیبر معقل ایزق بقدر غایت بزرگ و عظیم است

آن کند ما شد و عمر کل از عمر در ضعیف مانید بسیاره و دیار

و ما بوزن الحکم الکلی حکم از حق علیه التفتاب و جو فی فلفله کرد

(Faint handwritten notes at the bottom of the page)

در روز دوازدهم ماه ربیع الثانی سنه ۱۲۰۷

بر این بار در دوزخ و در دوزخ و در دوزخ

و جمع العالمون و منهم من لم يزل فيهم حتى صاروا علماء

جوئنداده و اهل مکه میزنند و جوئی مثل صبیح

که از آن در اعمام غصه و درد عارض میگردد بر این نیز معمول است

وگاه هر طریقی افتاد میبندد را جهت قتل در اصرار دیدار و نصب القرم

در مقام ایاغ فقیرا با معجون حباب شنبلیله سرشته بخورد عفت آن

برکت کا بحر افسین ہے اور دولت کا بحر و نعم کا سب

چوننداده علی بن محمد و از مکرده نبیند دست باد و ماسوری

غدا بعد از ظهر قسم خمار بر ما و یا بنیات جوشانیده دارد **سینه** صغیر
 سینه صغیر از سینه بزرگ منتفع شود **سینه** صغیر قاری مقل از رزق
 کلقتند افغانی جوشانیده بپوشند و در آن نان خشک بپاشند و بالکل زایل **سینه** صغیر
یهود صغیر ز جگر **سینه** صغیر قسم تیره بینک بر آن بسوزند مسلم بر بار
 آلود بر آن خط مفسر خمار و مفسر زبده کرمانی قسم کنند تا کسم نیست
 خیم حاکم بزرگ از سینه صغیر کوفته بچینه صغیر بچو افغان و در سینه صغیر
 بپزند با آب تازه **سینه** صغیر افغان **سینه** صغیر سینه صغیر با بونه الکلی
 قصب الزبده قسم خط خمار بر مقل از رزق جلدی قسم کمان **سینه** صغیر
 کوفته بچینه صغیر زرد و رخ گل کداخته ادویه در آن کاهده مرتب سینه صغیر
سینه صغیر و بچینه صغیر خط خمار از کوفته و زینه صغیر در رزق **سینه** صغیر بچینه صغیر
 رضعه باند **سینه** صغیر سینه صغیر با دام بار و جگر با دام و کمان **سینه** صغیر بر آن جوشانیده
 با شیر بپوشند **سینه** صغیر ز جگر **سینه** صغیر سینه صغیر اول جوشیده با آب تازه و صغیر
 مقلینا تا در آن شود و اجابت به مقلینا شده و صغیر از در آن زاده
 بپاشند و آن کلقتند افغانی در رزق با دام بر آن **سینه** صغیر جوشانیده کمان **سینه** صغیر
 سینه صغیر بپوشند و در رزق و دیگر خواص صغیر کمان **سینه** صغیر و بچینه صغیر

محرر

[illegible]

حق کا قریب ان پیر و شریو خوار بن شریو مومس کرد و شریو شریو شریو

شربت نیلوفر در انداختن بخارند ضعیف کند

سورجیاز علی بابا بر سر عیسیٰ بنبرس پند بکرم صهرس از دایه صهرس از

مفصل در تعقیب حکام این مکتوبه مخضرمه خیریه غرضه مکتوبه خیریه

باب سیم در بیان انواع و اقسام شیرین و ترش و کافور و زعفران و صندل و گلاب و مشک و بوی گل و بوی خوش و بوی بد و بوی فاسد و بوی دیگر

جبر و جمع خلق است که در ساقیها رست و گدا و در درک روز آخرت زیاده

مشهد بر سر عهد صاحب اول منصفی که در آن کتب نفیست بهم نویسد که تریب

فصل الحادى عشر فى معرفة خمر خرخره و نكفره به خرخره و نحوه ديار حوش بندر است

در مختار از خود می آید در بنای آب حوض شده دو روز

سفره کمر انداخته از آن ارتفاع نشسته بود و مادام که غلب

و چون که در این کتاب مذکور است که در این کتاب مذکور است

موسسه از این زمانه از نصف کثیف شده و از این راه

ز بوم زخمی اخضر از غلغله نشسته که در میان کوهانده شد و خف نشسته

سپهر روز داده شد جمعه غرض از ام رزق و حقه و قضا و کفاره

101

5

20

5.

52

10

21

10

در

تہذیب

زمان

5

五

سوال

[Faint handwritten notes at the bottom of the page]

...

محمود

20

1911

4



دوم تحقیق شده اول مورد بخورند عقیق آن بارتنگ اصل الی
در یکجا داب چون نیک روح دارد با شیر بادام داده شد و حکم بر آن
بریان بارتنگ بر آن شربت ضعیف است سه شربت سه شربت و بالایی
آن آب تازه جدا جدا در دم بعد تحقیق در دستها این شود داده شد
با دایان عقیق اصل الی بارتنگ و عقیق عقیق عقیق با دایان چون نیک
شربت بزور معتدل شربت حبس الکس داخل کرده تخم بر آن با شیر
بنوشند از شیر نیک دستها بی زحیرت و دست بکوب زاده شد و در حیا

نیز زیاده ماند بعد از یاد آوری بر زبان علم و عمل بر زبان اصل الودع و لایق
کاف و زان فوق علم و عمل بشمار بر آورده شریف حدیثی شریف نزد
دانشمندان باینست بر زبان ایشان نیز شنیده بعد از آنکه که فخر و از موعده مستحضر
شده بر عاز قرار میگرفت و بر آن نقل می ماند معلوم شد که قوت
ما که موعده ضعیف است از وقت نسخ مذکوره باخلاف و نیز از او رسیده
باصول و حقوق سرشته داده شده در دست و همی و درم بسیار کفیف
شده و شریف نزد سبب تفتیح در بی موقوف کرده شد و بعد
رفع دستها از صبری برابر بر آمدن دستها بعد از همی و درم بقیه

دارد که در استعمال این سرخ و سته ها تندرست و دردم بهم رفع گردد و بدو
 قشیت بریان و در نه پیل بریان اضران کرده شد و فواید **چهارم** **عسل** است
 استیاس ریاح غلیظ قنبر و در سه سرین و مثل یک قارور در کجی از این
 باید که خمس غریزه بکنند و دو قوی مقل از قی صغیر فاریک بویک بر آب
 فرط بکنند و چون نازده شربت بزور معتدل در اخلاط ده بر نهند **هفتم**
 که در قشیت خواب مقل از قی باب گرم فرو بردن خواب برود و تندرستی
 در عوارض لاحق بالکل زایل شود و فواید **چهارم** **رفع قنبر** است
 بهو **نهم** باید که صغیر فاریک به کبر بپزد کبابی به پیل کبابه تا بخواند
 نوزده کبابه یک کبابه شک طعام یک کبابه در شک سیما فی آن مقل
 پوست بپزد کل سه استنشین او در پنج اقرنی در شب او
 مقل از قی کربا استنشین و در بقی مقل از قی روح صغیر غری
 سداب بودینه شک در صغیر فلفل در باز فلفل که تا لیسین
 خولجان بر یک تنبول خند کرده نوش و در تنبع در آن گوارد
 حلیت بریان آب بهو کاغذ بقدر حاجت سفوف خند
 کبابه و در **ایستاد** در **کر** حلیت کونیز لم تا بخواند مزوج معطر
 دردم دردم دردم دردم

بر کنگار کنگار غلغلگی تر کجاست شیره بادام شیرین بود پودت بیل زرد
دستار کمر مسهل دوم و سوم افتاد کردن شد شیرین **دک** ریشه خط
در قرن کا و زبان غرق **عسلک** جوشانده شیرین زرد و مسهل تخم
کنوج و افتاده خاکش یا آبها بزنند **سب** و مع ریوی اول در شروع
از معدن **عسل** با **عسل** یا **عسل** زرد عسل زرد با **عسل**
موز و صغیر قندیه بر آب بودند خنک تخم کرفس قرطم بگوشت
در قرن با **عسل** جوشانده شیرین زرد و مسهل افتاده
نوشند و از درخت کمل در تخم بوزیر افیون فلفله و عسل
نوشه مخلوط غده شیرین کمالی گرانده از مالک مال شده
جفت دانه دانه با فلفله و عسل که جوشانده از شیرین زرد
خمی عسل گردیده دل برادر و صکر و عسل و احتمال شود تخم غنچه
جوشانده با **عسل** طعام کوه داده شد بعد از آب و عسل و عسل
تبخ و خنکی دهن و زیاده بی بول ز حیر عسل گردید اول تخم ریحان
و چار تخم نصیر بر آن نصف خام بوردن طلعه بعد مویش بر آب
بود چون حاجت مسهل افتاد ریشه خط در قرن **عسل** جوشانده

مفرطی که در دماغ و اندامها در گذرد و دست اجابت نشوند
از در دماغ مسهل که دست نیز باشد و خارج شدند بعد از در دماغ
نفع نکند و اگر اطباء و عاقلان را در این سبب کمال منتفع نشوند و کمال
برایان در حق طبع کنند بخوانند عقبت آن با دماغ برانی زیر و کلاه با دست
شیر بر آورده و دست بر دماغ در داده شود و سپهر و دارو الک مسهل
در حق طبع بر این عفو و قوت نیز داده شود از این بقیه که با دست
جهت زیر بر عاقلان **بیدار** اول خوف طبع و مغلیان تا و موید بایز
و بعد تا بدو طبع و زینت و تحمیل داده شود چون هر آنکه خوف شد
و در کوزه عود شروع میشد و تا زیر ناف می رسید و آن وقت دست
می آمد و بعد اجابت قدر در دست کن می ماند باز شروع میشد و در شب
و روز بخت دست اجابت می شدند بعد از آنها مسال مسهل یا بنظر
دادند و غرض بر این بود که غرض از این بود که غرض از این بود
روغ تا دماغ مفرطی که در دماغ در داده شد و در دماغ کثیف شده و در دماغ
آنکه بشد و در دماغ مفرطی که در دماغ در داده شد و در دماغ کثیف شده و در دماغ
دست کرم روغن با دماغ بطور قهقش در دماغی را بیل شد و این نسخه

[illegible]

و اخلد نه بولند و شیر بدیست شیر بخت بر در خانه نیک است از عسل است

داده شد فقط و مد سهیل بسوزد چهارم بولست بیدم زرد بولست بیدم گاهی

بولست بیدم بگوفن از خازن غوص شد و شیر بدیست شکر و عسل و عسل

جوش بیده شربت بر در منزل و اخلد نه بولند نفع شد و تکیه کرد

عسل شربت شکر گمان کل نفع خط خیار و قند مقل از عسل و آب جوش

بیمبار و بگوفن و نقل از آب بیده و عسل کل بیدم بیدم و عسل

بر موضع درد و درم به بندند بر زهر قسم رگمان مسلم بخورند تا بیدم

بار سبب شیر بدیست شیر بدیست با عسل و عسل و عسل و عسل و عسل

و قند و عسل و عسل و عسل و عسل و عسل و عسل و عسل و عسل

نیک بیدم با عسل و عسل و عسل و عسل و عسل و عسل و عسل

بزر در منزل و اخلد نه بولند و عسل و عسل و عسل و عسل

تغییر این عسل و عسل و عسل و عسل و عسل و عسل و عسل

و اخلد نه بولند و عسل و عسل و عسل و عسل و عسل و عسل

کودین بیدم بیدم با عسل و عسل و عسل و عسل و عسل

و از شیر شربت و عسل و عسل و عسل و عسل و عسل و عسل

تکیه کرد

۱۰۱

[illegible]

کھانہ

نخود شده غبار الوکاله سبب آن موثر تر می باشد از بجزر و در کل نفوذ
پوست به کبر صغیر فاریک برکت شمار علی و دوق علی صغیر و این کار
تر کرده صمغ چون نند نصف یا ندها نخود غسل بخند بقوام آوردن
در عین خوام مقبل رزق محلول باب کنند تا نیر کعبین مرفا کس شبر
آملی بر علی بید بقوام آورده پوست بید کبابی پوست بید زرد پوست بید
سور کانی نیر بر نفل سیاه کوفته بجز بر و غمخ بادام حرب بکوفته در اطل ناک
اطرف نفل مقل ملین بر رخ صغیر در دوت محلول و نصف شده و **طوبت**

معده و نفخ شکم و نافع است و رب نخود پوست بید زرد بید سیاه
موز صغیر بجزر و شب در آب تر کرده صمغ چون نند نصف یا ندها نخود
شیر آملی بر با شیر بید و با شیر آملی بکوفته غسل بید بقوام آورده و
رقه نیا مشوی نفل سیاه ز کبسل قاضی در صغیر نافع مقبل
محلول باب گرم تر بر بید محو بر و غمخ بادام حرب بکوفته در اطل ناک
پوست بید کبابی بر دو بار و غمخ بادام حرب نخود صغیر فاریک
بر ک سداب بادمان زیره سیاه و بید کروی کوفته بجزر و غمخ کوفته
مرتب بر زرد فو و شربت و هر روز از صغیر در آب **احتیاج**

موجب

فصل که از آن لب درو باشد و قدر از او جا بست شود بلیله به بر و عجم کاو
برای آنکه مضمون را بیده شد و تغیر بر آن داشتند و باب دیگر از هر دو کاو یا نشو
یا دانت داده میشود **و جهت نظر که تابع میسر است** و با و قدر در مرتبه
مغنی با دایم نشو کل سینه قبل با دایم نشو **و عرق** و عرق **و عرق** و عرق کاو
عرق نشو که بر آورده شد و نسبت به نظر داشتند و کاو با نشو میگویند **و عرق**
بهر در عمل است معض **و عرق** معض **و عرق** معض **و عرق** معض **و عرق** معض
نشو **و عرق** معض **و عرق** معض **و عرق** معض **و عرق** معض **و عرق** معض
از آن با دایم نشو **و عرق** معض **و عرق** معض **و عرق** معض **و عرق** معض
جوشانیده و عرق کل داشتند و میگویند **و عرق** معض **و عرق** معض
و در از موده نشو و عرق **و عرق** معض **و عرق** معض **و عرق** معض
و عرق معض **و عرق** معض **و عرق** معض **و عرق** معض **و عرق** معض
تیم کنند و عرق معض **و عرق** معض **و عرق** معض **و عرق** معض
میکنند و عرق از آن شد و عرق **و عرق** معض **و عرق** معض **و عرق** معض
با دایم نشو **و عرق** معض **و عرق** معض **و عرق** معض **و عرق** معض
برای عرق معض **و عرق** معض **و عرق** معض **و عرق** معض **و عرق** معض

و عرق
و عرق

کل نازار سیب برایت سائید و بنشیند بر او درین شهرت صدالکس و از خاک برکنند
و بعد از آن در حق الن و غفر و در دلت از قرابادین و کمال

معدن و مفید بویست بید زرد فلفل کبابه و در فلفل زنجبیل قاقه دار صبر
پوست بیلید نمطخ بند زرد کوند و در صبح فلفل صبر را در صبر کمال

منز خنجره و غفر و قی بادان بسیاره منیر منق شمشیر خالص با قند و عوام
ادویه و رتب سازند و ورق جو کچینی برابر سیمه سوار شوند گاه اضافی کرده
میشد قدر شربت در یک منق نادر و منق ام اگر وضع منق اصل از ماده

آن ک با شد بقد و رنگ و خوب چینه اضافه نمایند باقی برادر طبیب است

چوب سیمه که با در صبر و سیمه که در صبر و سیمه که در صبر و سیمه که در صبر
و الفلفل ستر که در صبر و سیمه که در صبر و سیمه که در صبر و سیمه که در صبر

با شد بنویسد و بر این شهرت و در این شهرت از سیمه و در این شهرت از سیمه

شد و این شهرت از سیمه و در این شهرت از سیمه و در این شهرت از سیمه

خطا و محقق کل از منی طبیب و سیمه که در صبر و سیمه که در صبر و سیمه که در صبر

سینه به بند و غفر آن صدالکس برایت تمام حاضر برایت ساق منق برایت

بهادر برایت انار و در این شهرت از سیمه و در این شهرت از سیمه و در این شهرت از سیمه

و در این شهرت از سیمه و در این شهرت از سیمه و در این شهرت از سیمه

و در این شهرت از سیمه و در این شهرت از سیمه و در این شهرت از سیمه

و در این شهرت از سیمه و در این شهرت از سیمه و در این شهرت از سیمه

جز

در اصل غمخیز کسی که بکای برآید و درین طلاق نشود کل ازین سهم
زیر هر دو طایفه حق و افکاره بگویند **ایضا** اگر کسی که در این طایفه
است از این سهم نیز سهمی از این سهم نیز سهمی از این سهم
در اصل غمخیز کسی که بکای برآید و درین طلاق نشود کل ازین سهم

که در باب این است که هر یک از این دو طایفه و غرض می شود
اول نقد یا سبب جانب موافق کردن **ایضا** یا در این طایفه

کای که در این طایفه است بگویند **ایضا** یا در این طایفه
بزرگتر و اصل غمخیز بگویند **ایضا** یا در این طایفه

بزرگتر و اصل غمخیز بگویند **ایضا** یا در این طایفه
بزرگتر و اصل غمخیز بگویند **ایضا** یا در این طایفه

بزرگتر و اصل غمخیز بگویند **ایضا** یا در این طایفه
بزرگتر و اصل غمخیز بگویند **ایضا** یا در این طایفه

بزرگتر و اصل غمخیز بگویند **ایضا** یا در این طایفه
بزرگتر و اصل غمخیز بگویند **ایضا** یا در این طایفه

بزرگتر و اصل غمخیز بگویند **ایضا** یا در این طایفه
بزرگتر و اصل غمخیز بگویند **ایضا** یا در این طایفه

در اصل غمخیز کسی که بکای برآید و درین طلاق نشود کل ازین سهم

زیر هر دو طایفه حق و افکاره بگویند **ایضا** اگر کسی که در این طایفه

است از این سهم نیز سهمی از این سهم نیز سهمی از این سهم

در اصل غمخیز کسی که بکای برآید و درین طلاق نشود کل ازین سهم

که در باب این است که هر یک از این دو طایفه و غرض می شود

اول نقد یا سبب جانب موافق کردن **ایضا** یا در این طایفه

کای که در این طایفه است بگویند **ایضا** یا در این طایفه

بزرگتر و اصل غمخیز بگویند **ایضا** یا در این طایفه

و این سهیل بران کوه است که از شهر شیراز تا شهر تبریز
تازه فرو برند و در عمق برادر و مقاصل که سبب تشنگی باشد خوب است

فوق جوب جیسر سداب قصبه شیراز و شیراز و شیراز
سایه خنجر از خوشی زراوند طویل عطر فراوان تلخ و بزرگ
سورخان تلخ آدوبه نیکو مزه و شبانه روز آساید آب برک حنا
روغن کنجد سیاه و روغن کل روغن بانه بگونند تا آب برود و روغن
بازند نگاهدار و از فقه در اوضاع مقرر نمی حکیم مگر کلدانی نمی رسد و در

در و در آب
در و در آب
در و در آب
در و در آب

بیش رو بیدان که گفت بر بر است بیعید بل اگر بر مویخ را به پیش
از شو بیدان بر نیز نداشت و در هر یک و صد و بیست و تغییر رنگ باشد اگر نرم
زیاده باشد چینه تر زده بر آن بندند و در سداب زرد و خنجر تلخ
ندارد و در و در آب بیدان که گفت و خان سقف خانه که در آن خنجر بران
میشوند و در نسو دیگر زرد و جوب بیخ مشک افزوده است و به گوشت جسد
منقال روغن کنجد و روغن رطل آب بگونند تا لایع بماند و جهت ادویه
مقاصل فی منسج منقال چند بیدستر و بانه زده منقال شجرا افزایند
و جهت جدر که بسیار برآمده بکرات و قروح انجامد و متعفن گردد

فراوان و فراوان

فدر کفر ایخته استحال نمایند و برارضیه و سقط نیز باید انفع نکند
و عمل ایمن در غم و ضربه و سقط و حث حکم یکبار و برارضیه و سقط
لیکن استحال چند روز لازم است برارضیه و سقط **حکم تقویت قلب**
و دفع حرمت آن مرد اینها یافته است **حکم تقویت قلب** که در شیرین کبریا
تخم کاهو بهر سه بهر سفید کشتن خاک سفید سفید سفید
ابریشم خام مقوض طلا شیر کبود زردند میدان کل کا در میان کل مخموم
زهر مرز خط سر کل در غشایی و در نقه و در طلا قند سفید
مقوم سازند و احب زرد نافع اراض معد و جگر و سبز و در غم
جوب موافق زنجبیل فلفل سیاه و زعفران تنکا بر با زرد جوب
جوا کپا رنگ سیاه مغز تخم کمرنگی لوطه سحر جدا جدا کوفه با آب بپزند
بعد بقدر کناد شسته بپزند شربت یکبار و دو بار **حب مومنی**
کافور و مشک و در نافع راج و طوبیات از نفع **حب سحر** زنجبیل سیاه
و زعفران فلفل سیاه لاهور رنگ سیاه املیست جوا کپا لوطه سحر
زیره سیاه دانه ابله سفید کندر یک عدد و در بر مرغ در شکر کافور
در شیر اندازند تا بهفت مرتبه کنند کوفه بخند و در حق سحر جوا کپا

در کفر ایخته استحال نمایند و برارضیه و سقط نیز باید انفع نکند
و عمل ایمن در غم و ضربه و سقط و حث حکم یکبار و برارضیه و سقط
لیکن استحال چند روز لازم است برارضیه و سقط **حکم تقویت قلب**
و دفع حرمت آن مرد اینها یافته است **حکم تقویت قلب** که در شیرین کبریا
تخم کاهو بهر سه بهر سفید کشتن خاک سفید سفید سفید
ابریشم خام مقوض طلا شیر کبود زردند میدان کل کا در میان کل مخموم
زهر مرز خط سر کل در غشایی و در نقه و در طلا قند سفید
مقوم سازند و احب زرد نافع اراض معد و جگر و سبز و در غم
جوب موافق زنجبیل فلفل سیاه و زعفران تنکا بر با زرد جوب
جوا کپا رنگ سیاه مغز تخم کمرنگی لوطه سحر جدا جدا کوفه با آب بپزند
بعد بقدر کناد شسته بپزند شربت یکبار و دو بار **حب مومنی**
کافور و مشک و در نافع راج و طوبیات از نفع **حب سحر** زنجبیل سیاه
و زعفران فلفل سیاه لاهور رنگ سیاه املیست جوا کپا لوطه سحر
زیره سیاه دانه ابله سفید کندر یک عدد و در بر مرغ در شکر کافور
در شیر اندازند تا بهفت مرتبه کنند کوفه بخند و در حق سحر جوا کپا

در کفر ایخته استحال نمایند و برارضیه و سقط نیز باید انفع نکند
و عمل ایمن در غم و ضربه و سقط و حث حکم یکبار و برارضیه و سقط
لیکن استحال چند روز لازم است برارضیه و سقط **حکم تقویت قلب**
و دفع حرمت آن مرد اینها یافته است **حکم تقویت قلب** که در شیرین کبریا
تخم کاهو بهر سه بهر سفید کشتن خاک سفید سفید سفید
ابریشم خام مقوض طلا شیر کبود زردند میدان کل کا در میان کل مخموم
زهر مرز خط سر کل در غشایی و در نقه و در طلا قند سفید
مقوم سازند و احب زرد نافع اراض معد و جگر و سبز و در غم
جوب موافق زنجبیل فلفل سیاه و زعفران تنکا بر با زرد جوب
جوا کپا رنگ سیاه مغز تخم کمرنگی لوطه سحر جدا جدا کوفه با آب بپزند
بعد بقدر کناد شسته بپزند شربت یکبار و دو بار **حب مومنی**
کافور و مشک و در نافع راج و طوبیات از نفع **حب سحر** زنجبیل سیاه
و زعفران فلفل سیاه لاهور رنگ سیاه املیست جوا کپا لوطه سحر
زیره سیاه دانه ابله سفید کندر یک عدد و در بر مرغ در شکر کافور
در شیر اندازند تا بهفت مرتبه کنند کوفه بخند و در حق سحر جوا کپا

[illegible]

بیماری که در این کتاب مذکور است
 و در این کتاب مذکور است
 و در این کتاب مذکور است

خارش صفرا و سودا و خشم خفاش برک سفافاخ هر دو ب نیند

بروشنل و سرکه خیس کنند و یکپاس باز باده بکنند بعد وقت شام

طلد نمایند و صبح اگر ماده سودا باشد بآب گرم غسل نمایند و اگر صفرا

بآب سرد و اگر سیمان صفرا بر تنه تمام باشد برک است برک صفرا فرمایند

طلد خوب مولف **بند** که گوگرد صفرا سیاه کنند بنوعی بندر نفع کند

روغن بنز و به بطن معده بکشد که امیزند و شب ببالند و صبح دهان

و سوس و سرکه و آب گرم بدن را بنشیند **احب منسوب** **علم** **خود**

و غصه **ضعیفه** **الغلب** **بهم** **غیر** **سور** **کوفته** **کوفته** **بدر** **بدر** **بدر**

بقدور و مغز حب بنشیند بر اندیشه ماده کا و تناول نمایند نفع آید

ضماد **حیت** **اعراض** **جسم** **پایه** **مایل** **بیشتر** **بیشتر** **بیشتر**

از کبیل که بر پوست ببالد لکله باریک کوفته و کوفته در آب امیزند

از دست آینه سخی در آب گوگرد سخی بلیع نمایند قدری آب گوگرد

سودا ای چشم طلدا **بدر** **بدر** **بدر** **بدر** **بدر** **بدر** **بدر**

از اجزای دیس از این خراس بنشیند و در نیند بران نفع کند

کوفته بنخته بر چشم زد و بکشد که بر تنه بنشیند و در آب امیزند

نیم

بدر

بدر

بدر

بدر

بدر

بدر

بدر

بدر

بدر

بدر

بدر

بدر

بدر

بدر

فصل اول در بیان اقسام قند
فصل اول در بیان اقسام قند
فصل اول در بیان اقسام قند

فصل اول در بیان اقسام قند
فصل اول در بیان اقسام قند
فصل اول در بیان اقسام قند

فصل اول در بیان اقسام قند
فصل اول در بیان اقسام قند
فصل اول در بیان اقسام قند

فصل اول در بیان اقسام قند
فصل اول در بیان اقسام قند
فصل اول در بیان اقسام قند

فصل اول در بیان اقسام قند
فصل اول در بیان اقسام قند
فصل اول در بیان اقسام قند

فصل اول در بیان اقسام قند
فصل اول در بیان اقسام قند
فصل اول در بیان اقسام قند

فصل اول در بیان اقسام قند
فصل اول در بیان اقسام قند
فصل اول در بیان اقسام قند

سازند بخونند صد ضعف از سبب آن اعضا سکنی و حرارت محسوس

میشود و در بول قدری منی خارج میشود و در آن یک ساعت مکث میکنند

مسخون منكم سرشته بخورند عقیبان را بی کادور از غرق غنچه های کبود

شهریت بزور مستبد و اهل نعمت تناول نمایند که اجبت و حقیقت از قلب

چنانچه میفرماید: اصل الکرقرم میگویند و انهم ابراب

بگویند نزد نصیب باشد شریعت بنزد و معشای و افکاره جد و از خوی مسخوف اند

نفسه نهند بر این دیر ^{دور} حبس که غفرت ز در چشم داشتند و بعد از این

معمولاً در هر رتبه پیدا میشود اول اسمی در آن پیدا میشود و در آن اسمی که در آن پیدا میشود

و در حق تو نشسته بخورند عصف ان شیرینند و عرق کا و در حق تو نشسته

۱۰۰ ۱۰۱ ۱۰۲ ۱۰۳ ۱۰۴ ۱۰۵ ۱۰۶ ۱۰۷ ۱۰۸ ۱۰۹ ۱۱۰ ۱۱۱ ۱۱۲ ۱۱۳ ۱۱۴ ۱۱۵ ۱۱۶ ۱۱۷ ۱۱۸ ۱۱۹ ۱۲۰ ۱۲۱ ۱۲۲ ۱۲۳ ۱۲۴ ۱۲۵ ۱۲۶ ۱۲۷ ۱۲۸ ۱۲۹ ۱۳۰ ۱۳۱ ۱۳۲ ۱۳۳ ۱۳۴ ۱۳۵ ۱۳۶ ۱۳۷ ۱۳۸ ۱۳۹ ۱۴۰ ۱۴۱ ۱۴۲ ۱۴۳ ۱۴۴ ۱۴۵ ۱۴۶ ۱۴۷ ۱۴۸ ۱۴۹ ۱۵۰ ۱۵۱ ۱۵۲ ۱۵۳ ۱۵۴ ۱۵۵ ۱۵۶ ۱۵۷ ۱۵۸ ۱۵۹ ۱۶۰ ۱۶۱ ۱۶۲ ۱۶۳ ۱۶۴ ۱۶۵ ۱۶۶ ۱۶۷ ۱۶۸ ۱۶۹ ۱۷۰ ۱۷۱ ۱۷۲ ۱۷۳ ۱۷۴ ۱۷۵ ۱۷۶ ۱۷۷ ۱۷۸ ۱۷۹ ۱۸۰ ۱۸۱ ۱۸۲ ۱۸۳ ۱۸۴ ۱۸۵ ۱۸۶ ۱۸۷ ۱۸۸ ۱۸۹ ۱۹۰ ۱۹۱ ۱۹۲ ۱۹۳ ۱۹۴ ۱۹۵ ۱۹۶ ۱۹۷ ۱۹۸ ۱۹۹ ۲۰۰ ۲۰۱ ۲۰۲ ۲۰۳ ۲۰۴ ۲۰۵ ۲۰۶ ۲۰۷ ۲۰۸ ۲۰۹ ۲۱۰ ۲۱۱ ۲۱۲ ۲۱۳ ۲۱۴ ۲۱۵ ۲۱۶ ۲۱۷ ۲۱۸ ۲۱۹ ۲۲۰ ۲۲۱ ۲۲۲ ۲۲۳ ۲۲۴ ۲۲۵ ۲۲۶ ۲۲۷ ۲۲۸ ۲۲۹ ۲۳۰ ۲۳۱ ۲۳۲ ۲۳۳ ۲۳۴ ۲۳۵ ۲۳۶ ۲۳۷ ۲۳۸ ۲۳۹ ۲۴۰ ۲۴۱ ۲۴۲ ۲۴۳ ۲۴۴ ۲۴۵ ۲۴۶ ۲۴۷ ۲۴۸ ۲۴۹ ۲۵۰ ۲۵۱ ۲۵۲ ۲۵۳ ۲۵۴ ۲۵۵ ۲۵۶ ۲۵۷ ۲۵۸ ۲۵۹ ۲۶۰ ۲۶۱ ۲۶۲ ۲۶۳ ۲۶۴ ۲۶۵ ۲۶۶ ۲۶۷ ۲۶۸ ۲۶۹ ۲۷۰ ۲۷۱ ۲۷۲ ۲۷۳ ۲۷۴ ۲۷۵ ۲۷۶ ۲۷۷ ۲۷۸ ۲۷۹ ۲۸۰ ۲۸۱ ۲۸۲ ۲۸۳ ۲۸۴ ۲۸۵ ۲۸۶ ۲۸۷ ۲۸۸ ۲۸۹ ۲۹۰ ۲۹۱ ۲۹۲ ۲۹۳ ۲۹۴ ۲۹۵ ۲۹۶ ۲۹۷ ۲۹۸ ۲۹۹ ۳۰۰ ۳۰۱ ۳۰۲ ۳۰۳ ۳۰۴ ۳۰۵ ۳۰۶ ۳۰۷ ۳۰۸ ۳۰۹ ۳۱۰ ۳۱۱ ۳۱۲ ۳۱۳ ۳۱۴ ۳۱۵ ۳۱۶ ۳۱۷ ۳۱۸ ۳۱۹ ۳۲۰ ۳۲۱ ۳۲۲ ۳۲۳ ۳۲۴ ۳۲۵ ۳۲۶ ۳۲۷ ۳۲۸ ۳۲۹ ۳۳۰ ۳۳۱ ۳۳۲ ۳۳۳ ۳۳۴ ۳۳۵ ۳۳۶ ۳۳۷ ۳۳۸ ۳۳۹ ۳۴۰ ۳۴۱ ۳۴۲ ۳۴۳ ۳۴۴ ۳۴۵ ۳۴۶ ۳۴۷ ۳۴۸ ۳۴۹ ۳۵۰ ۳۵۱ ۳۵۲ ۳۵۳ ۳۵۴ ۳۵۵ ۳۵۶ ۳۵۷ ۳۵۸ ۳۵۹ ۳۶۰ ۳۶۱ ۳۶۲ ۳۶۳ ۳۶۴ ۳۶۵ ۳۶۶ ۳۶۷ ۳۶۸ ۳۶۹ ۳۷۰ ۳۷۱ ۳۷۲ ۳۷۳ ۳۷۴ ۳۷۵ ۳۷۶ ۳۷۷ ۳۷۸ ۳۷۹ ۳۸۰ ۳۸۱ ۳۸۲ ۳۸۳ ۳۸۴ ۳۸۵ ۳۸۶ ۳۸۷ ۳۸۸ ۳۸۹ ۳۹۰ ۳۹۱ ۳۹۲ ۳۹۳ ۳۹۴ ۳۹۵ ۳۹۶ ۳۹۷ ۳۹۸ ۳۹۹ ۴۰۰ ۴۰۱ ۴۰۲ ۴۰۳ ۴۰۴ ۴۰۵ ۴۰۶ ۴۰۷ ۴۰۸ ۴۰۹ ۴۱۰ ۴۱۱ ۴۱۲ ۴۱۳ ۴۱۴ ۴۱۵ ۴۱۶ ۴۱۷ ۴۱۸ ۴۱۹ ۴۲۰ ۴۲۱ ۴۲۲ ۴۲۳ ۴۲۴ ۴۲۵ ۴۲۶ ۴۲۷ ۴۲۸ ۴۲۹ ۴۳۰ ۴۳۱ ۴۳۲ ۴۳۳ ۴۳۴ ۴۳۵ ۴۳۶ ۴۳۷ ۴۳۸ ۴۳۹ ۴۴۰ ۴۴۱ ۴۴۲ ۴۴۳ ۴۴۴ ۴۴۵ ۴۴۶ ۴۴۷ ۴۴۸ ۴۴۹ ۴۵۰ ۴۵۱ ۴۵۲ ۴۵۳ ۴۵۴ ۴۵۵ ۴۵۶ ۴۵۷ ۴۵۸ ۴۵۹ ۴۶۰ ۴۶۱ ۴۶۲ ۴۶۳ ۴۶۴ ۴۶۵ ۴۶۶ ۴۶۷ ۴۶۸ ۴۶۹ ۴۷۰ ۴۷۱ ۴۷۲ ۴۷۳ ۴۷۴ ۴۷۵ ۴۷۶ ۴۷۷ ۴۷۸ ۴۷۹ ۴۸۰ ۴۸۱ ۴۸۲ ۴۸۳ ۴۸۴ ۴۸۵ ۴۸۶ ۴۸۷ ۴۸۸ ۴۸۹ ۴۹۰ ۴۹۱ ۴۹۲ ۴۹۳ ۴۹۴ ۴۹۵ ۴۹۶ ۴۹۷ ۴۹۸ ۴۹۹ ۵۰۰ ۵۰۱ ۵۰۲ ۵۰۳ ۵۰۴ ۵۰۵ ۵۰۶ ۵۰۷ ۵۰۸ ۵۰۹ ۵۱۰ ۵۱۱ ۵۱۲ ۵۱۳ ۵۱۴ ۵۱۵ ۵۱۶ ۵۱۷ ۵۱۸ ۵۱۹ ۵۲۰ ۵۲۱ ۵۲۲ ۵۲۳ ۵۲۴ ۵۲۵ ۵۲۶ ۵۲۷ ۵۲۸ ۵۲۹ ۵۳۰ ۵۳۱ ۵۳۲ ۵۳۳ ۵۳۴ ۵۳۵ ۵۳۶ ۵۳۷ ۵۳۸ ۵۳۹ ۵۴۰ ۵۴۱ ۵۴۲ ۵۴۳ ۵۴۴ ۵۴۵ ۵۴۶ ۵۴۷ ۵۴۸ ۵۴۹ ۵۵۰ ۵۵۱ ۵۵۲ ۵۵۳ ۵۵۴ ۵۵۵ ۵۵۶ ۵۵۷ ۵۵۸ ۵۵۹ ۵۶۰ ۵۶۱ ۵۶۲ ۵۶۳ ۵۶۴ ۵۶۵ ۵۶۶ ۵۶۷ ۵۶۸ ۵۶۹ ۵۷۰ ۵۷۱ ۵۷۲ ۵۷۳ ۵۷۴ ۵۷۵ ۵۷۶ ۵۷۷ ۵۷۸ ۵۷۹ ۵۸۰ ۵۸۱ ۵۸۲ ۵۸۳ ۵۸۴ ۵۸۵ ۵۸۶ ۵۸۷ ۵۸۸ ۵۸۹ ۵۹۰ ۵۹۱ ۵۹۲ ۵۹۳ ۵۹۴ ۵۹۵ ۵۹۶ ۵۹۷ ۵۹۸ ۵۹۹ ۶۰۰ ۶۰۱ ۶۰۲ ۶۰۳ ۶۰۴ ۶۰۵ ۶۰۶ ۶۰۷ ۶۰۸ ۶۰۹ ۶۱۰ ۶۱۱ ۶۱۲ ۶۱۳ ۶۱۴ ۶۱۵ ۶۱۶ ۶۱۷ ۶۱۸ ۶۱۹ ۶۲۰ ۶۲۱ ۶۲۲ ۶۲۳ ۶۲۴ ۶۲۵ ۶۲۶ ۶۲۷ ۶۲۸ ۶۲۹ ۶۳۰ ۶۳۱ ۶۳۲ ۶۳۳ ۶۳۴ ۶۳۵ ۶۳۶ ۶۳۷ ۶۳۸ ۶۳۹ ۶۴۰ ۶۴۱ ۶۴۲ ۶۴۳ ۶۴۴ ۶۴۵ ۶۴۶ ۶۴۷ ۶۴۸ ۶۴۹ ۶۵۰ ۶۵۱ ۶۵۲ ۶۵۳ ۶۵۴ ۶۵۵ ۶۵۶ ۶۵۷ ۶۵۸ ۶۵۹ ۶۶۰ ۶۶۱ ۶۶۲ ۶۶۳ ۶۶۴ ۶۶۵ ۶۶۶ ۶۶۷ ۶۶۸ ۶۶۹ ۶۷۰ ۶۷۱ ۶۷۲ ۶۷۳ ۶۷۴ ۶۷۵ ۶۷۶ ۶۷۷ ۶۷۸ ۶۷۹ ۶۸۰ ۶۸۱ ۶۸۲ ۶۸۳ ۶۸۴

[illegible]

مع اید نسخ و ادوات و اوراق و اسناد معتبره و نوشته ها و سایر اشیاء و اسناد

موقوف بودن نقد سرشته بخوارند علف آن سرشته کنند و در سرشته بایستد

در شیراز رسیده شریف بنویس از غرض که در این حدس و حدس و حدس

آمده شد و هموار و دلاور شد که بعد از آن به دست و پا زد و از آنجا

100

مؤلفه نجفیه مدبر
چون نماینده شرکت
۱۳۰۵

روح قلب

معین است دوازدهم معنی بالکفیه انکه سرشته بخورند عفت آن
 باور بخوبی و در حق باور بخوبی چون نذر نفع یا نذر خسارت مشرب باور بخوبی
 و انکه کوه بر سرش است صفای سودا در کوه عورت عافیت دوازدهم
 معنی یک زعفران سودا سرشته بخورند عفت آن مشرب تو در سرش
 و در حق کاه زبان و در سرش بر او ده مشرب انکه سرشته و انکه کوه چشم خورند
 با نین بر سرش است تقویت قلب زوایا که نایب مشرب دوازدهم
 معنی زوایا و سده و در حق طلا عین شرب یک با نین زعفران سودا
 سرشته بخورند عفت آن عرق کاه زبان عرق کوه کلاب شرب انکه
 مزاج کرده بنوشند بر سرش که از معان خفیف بطرف قلب و جمع حواس
 بیش از سرش خفیف بالکفیه است انکه سرشته زوایا و در حق شرب الیوس
 آرد با طلا جمع بری سودا شرب الیوس سرشته بخورند عفت آن عرق
 بنوشند انکه بر سرش است جمع حواس و در حق شرب انکه سرشته زوایا و در حق
 خفیف الیوس و الیوس جمع بری زوایا شرب الیوس کوفته معنی خافه سرشته
 باب یکم خورند از جهت کوه که شرب عافیت درین معنی
 یکم و در سرش قریب پنجاه سال بود اول فصل سابق قلب کرده شد

و ح دلب

و بعد از آن غدا که در آن اصل از مغز کوزه جوشانده می شود
 و افکار و داده شده از این هیچ کسف نشود و در آن است معتدل
 و فلفل سیاه کوه سرش برنج و زعفران آن بکوس اندم کا زبان صغیر فارسی
 کا زبان عرق و اینست بچون نند و کاینده و در آن است محق
 شریف بزرگ معتدل و افکار و بکند و **زبان** **بست** **بسر** **بیک** **نور** **فتم**
 کوه و در آن کوه بر آتش کز آنند و فلفل آب بند و پنجه خود در بوی
 بسته بکند و طبع کرده اند از این بسیار کفیف بند بهر دو جانب
 و استراحت کرده و تمام شب با رام خفت و استراحت با الصواب
شریف **مقبول** **برای** **برودت** **دماغ** **و طب** **برکت** **مقبول** **نیک** **کوفته**
 در آب باران عرق با در کوه چو شد نند تا نصف آید و عمل بغیر بقیام آورده
 و بعد بسیار قرضل دانه سیل عرق غرق سنبل الطیب زعفران
 کوفته بجهت بیا میزند **نیک** **در** **چینی** **سنبل** **الطیب** **الطوب** **خود** **دوس**
 و در خوش مصفک و در جو بوی بسیار فلفل کوه فلفل و در آن خود قرار
 قرضل کوفته بجهت در بسته در آن آب باران عرق با در کوه چو شد
 نصف باند و در آن عمل بغیر بقیام آورده و در آن فلفل بغیر زنجبیل
 بهر

ملازم

مجلس

[illegible]

۳۱
مقدمات
۳۲
مقدمات
۳۳
مقدمات
۳۴
مقدمات
۳۵
مقدمات
۳۶
مقدمات
۳۷
مقدمات
۳۸
مقدمات
۳۹
مقدمات
۴۰
مقدمات
۴۱
مقدمات
۴۲
مقدمات
۴۳
مقدمات
۴۴
مقدمات
۴۵
مقدمات
۴۶
مقدمات
۴۷
مقدمات
۴۸
مقدمات
۴۹
مقدمات
۵۰
مقدمات

عمو غرق سحر غیر از شنب سحر درق نقره درق طلا سرشته بخورند عقیقت آن
 از طغافر الطیب بگویند درق باد بخورید عرق کاذوبان بخورند نفع عاید
 هست شربت شربت باد بخورید در خاک کده بنوشند **عجب قرانیتس خواند**
خواه منفرد کل نفع کل بنویس خانه غبار الوکاله درق نقره
 عرق کاذوبان تر کرده مالید هست نفع بنویس بنویس بنویس بنویس
 شربت شربت در خاک کده بنوشند **عجب قرانیتس خواند**
 غبار کل نفع کل بنویس الوکاله کس کس بنویس کاذوبان درق نقره
 عرق شربت تر کرده مالید هست نفع بنویس بنویس بنویس بنویس
 شربت شربت در خاک کده بنویس بنویس بنویس بنویس
مسبل دماغ بر سر شخص که در دماغ برودت بعد باد باده بخورید کاذوبان
 برکت خورشید اسطوخودوس پوست بکوبید بنویس بنویس بنویس بنویس
 بر کاذوبان از بخور زرد و بنویس بنویس بنویس بنویس
 بنویس بنویس بنویس بنویس بنویس بنویس بنویس بنویس
 باد باده عرق باد بخورید شربت تر کرده صبح بخورند نفع عاید
 بنویس بنویس بنویس بنویس بنویس بنویس بنویس بنویس
 بنویس بنویس بنویس بنویس بنویس بنویس بنویس بنویس
 بنویس بنویس بنویس بنویس بنویس بنویس بنویس بنویس

محبوب

عرق بادخوبه شیر گرم خورده بخوابانند در سهیل دوم اطفال مع ابراج و
 و لطف خود کس در اینمون دایرسه و افشانی زرد و قسم کثرت و هیچ کس
 بسبب شدت حرارت و برآمدن بخور منصف بر رطوبت را موقوف کرده اند

تبرید

و ترند و الویجا را خاذه کرده تغییر بدینست ^{در عرق غلیظ} عرق بادخوبه
 جوشانیده شربت بنفشه شربت بادخوبه را خلط کرده داده اند ^{در این}

^{در این} بادمان بادخوبه کافور بای کل کافور بای بک فرغش که پوست کبرنگوب
 و لطف خود کس در اینمون دایرسه و افشانی زرد و قسم کثرت و هیچ کس

و دقیق مکرر عذاب ابرس مکرر شربت و نیم ارباب تر کرده صبح و شب
 نصف باند شربت شربت بادخوبه را خلط کرده بخورند ^{در این}

بدن و ضعف و نقابت که ^{در این} عارض بود و دار المسک بورق نقره

سرشته بخورند عجب آن شیر بادا و در عرق کافور بای عرق بادخوبه بر آورده

شربت کافور بای و خلط کرده بخورند ^{در این} و نیز از معول قدیم اول اینون

زیره سیاه ناخواه ^{در این} شربت کافور بای عرق کافور بای عرق بادخوبه جوشانیده

بخورند ^{در این} سهیل سرسام بعد و نیم عارض شد و از هم الویجا را
 ترند و الویجا را خاذه کرده تغییر بدینست ^{در عرق غلیظ} عرق بادخوبه

کما قد بان الخیر فی رد المحتار فی شرح السیاق و ان اصل اللمس تکون کما قد بان
و کلمه و آب بحوث اندر فصل باریه و غیره میگویند که جهت صریح که کثرت

مؤلف

بسیار نذر ابراهیم را در شش جمع بدن کردن بادیان ابراهیم را در شش

سفر بنیاد نقل مکان از ایران
۱۳۰۲ / ۱۳۰۳

ریس پر اردو
فہرست
یونانی ہندی
ایمان بخیر و خیر
۱۰۰۰

صفا نزلت با بونه انبیا
 در هر دو کس خاشاک
 بیج بدن کردند با بونه
 در هر دو کس خاشاک

فرج مالش نمایند
 بهای و مرز بخوس
 در این بصره
 در این بصره

برک سینه
معد
یکپیرند

منافع
نخین بقدر
نخین بقدر

مرزنجوش بادنجوبه برگ فرخنگ و بر سر بگرفته بر سر دلبان کلکند
در عرق بادبان عرق بادنجوبه بگوشت نند نصف نند هفت نخوج شربت
بادنجوبه و افکاره بنوشند **دفعه اول** مرزنجوش اسطوخودوس

برگ فرخنگ انجیر زرد میز متق بادبان کلکند عرق بادبان
عرق عرق بگوشت نند نصف نند هفت نخوج شربت بادنجوبه
شربت اسطوخودوس و افکاره بنوشند **دفعه دوم** شربت بکبار

جمع بعضی از حس و حرکت باز ماندند از سر بخور و بهر **دفعه اول**
منافع **دفعه اول** مرزنجوش برگ فرخنگ انجیر زرد
بگرفته بادبان بادنجوبه کلکند در عرق بادبان عرق

بادنجوبه بگوشت نند نصف نند هفت نخوج شربت بادنجوبه و افکاره
باخافه و دار المسک عرق نقره شربت بنوشند **دفعه دوم** خانه
در آب جوش آید چهار بار باید بر جا بار مستفی شده پس بهار تمام بدن

بکبیر نند **دفعه اول** مرزنجوش برگ فرخنگ انجیر زرد
برگ انجیر و آب برگ سپیده آب برگ حله آب برگ حله آب برگ حله
آب برگ عنبریل آب مرزنجوش روغن بید انجیر روغن بادنجوبه

انوار الکلی

[illegible]

گذارند دگاه سفید بر بقد مرغ و از اندر ده میشد **الله** **نذیر** **ارواح**
 از رخ کرد و بقد مرغ مرغ و مخمر طلا نماید و **امید** **کنش** **خاک** **باب** **باید**
نیکه **بسته** **بیر** **افوخ** **دارند** **دگاه** **هو** **دخشا** **ش** **زیر** **با** **طلا** **کردن** **موجب** **تیر**
 و ترطیب **شیوه** **بست** **مرغ** **سبب** **صعود** **انجوه** **نک** **شور** **سرمه** **فانک**
 اینخته زیر پاش نماید **احسن** **کر** **از** **اسطوخودوس** **مغز** **بند** **دانه** **کلونه**
 موز منق ز جلیل موز منق فلفلی بر قند سیاه در کلم با و آب بکوشند
 نصف باند هفت مخور بکوشند **احسن** **شعوف** **نقاب** **نک**
نقره **شعوف** **معجون** **طلا** **سود** **و** **الوسک** **معدن** **سرسشته** **با** **عرق** **باد** **خلیو**
 عرق با و با **شربت** **باد** **خلیو** **بنوشند** **او** **عطر** **در** **چین** **بر** **بست** **تنبل**
 کرده **حق** **خوردن** **معدن** **اسطوخودوس** **منق** **و** **چار** **و** **بام**
عبر **و** **دیت** **الطریل** **صفت** **طین** **و** **دور** **باد** **خلیو** **اسطوخودوس** **موز** **منق**
سوس **کنند** **کل** **نفس** **افتیمون** **صرد** **بسته** **افستین** **اوس** **اصل** **الوس**
انجیر **زرد** **با** **و** **با** **کا** **و** **با** **ن** **شربت** **آب** **تر** **کرده** **صی** **بکوشند** **نصف** **مانند**
صفت **مخمر** **با** **عسل** **قند** **قند** **نوع** **ام** **آورده** **من** **بعد** **پوست** **بلید** **زرد** **و** **نیکه**
پوست **بلید** **بکوشند** **سیاه** **آمل** **کنش** **خاک** **صعتر** **فانک** **بر** **کرده**
 ال ال ال ال ال

بوقت
 جهت تر جابوب
 نقطه شام زانه
 اول خیره
 عقبات غدا
 عمل کاوان
 اسطوخودوس و عرق طین
 سر کرده چنان شود
 شربت نفع و افکاره
 سر کرده چنان شود
 نیکه زرد و با
 نیکه زرد و با

طین رود

آمل منق

کوفه بخند بابت باد بکسر نشسته خوب بقدر دانه موکت تیار سازند
فردا شربت و سرکه و بوقت شب بخورند انصاف بر عالمی نسخی که در کتاب
که در باب جرب از کعب اختلاط و جنها هست و بسبب آن عرق چود و طربا
ببیند و داغ و اختلاطی نفیست و چشمه عارض بر روز اول طبیان تدبیر
کند و مسهل هم دادند و شخصی جرب کجده هم خوراند و همه منفعه کرد
اول دوا را مسک مندل فرغش شود و در وقت سر نشسته بخورند عقب آن
دروغ عرقه مکرره اسطوخودوس پهل پهل بابت باد کوبه و عرق بادبان
عرق باد کوبه کوشانه نصف بزرگش خورند شربت باد کوبه شربت اسطوخودوس
شبه و دارم شربت و از کوفه بخورند و در این نسخ منفعه داده شد باد بخورند
برگزین خشک مرزنجوش اسطوخودوس کافور و قند جوشانند
باضافه دوا را مسک مندل خمر و کافور بپزند و از آن باد بخورند
برگزین خشک مرزنجوش دروغ عرقه مکرره و در کوش اسطوخودوس و کوب
اصل الکس جوشانند شربت باد بخورند باضافه پهل و با مصطکی و رو طیار
دانه پهل مسک مندل بخورند بعد طبایع از نسخ دیگر موقوف کرده شد
شام پهل و با مصطکی و بادبان مسک مندل بخورند با عرق بادبان عرق باد بخورند

برکت و خیر و قنطاریون و قین بگویند از کبیر زرد در عرق باد با عرق باد کبیر
 جوشانند شربت باد کبیر شربت اسفود و کس با ضافه فله سفید
 ابرس بگویند زباده کرده اند بعد از نصف مقل ز رزق قرطم بگویند
 لافان کرده اند **۱۱** **الکلب** بار **موضعی** **۱۲** با بونه اکلیل المکس میسور کنیم
 نار صبل بپزند و رو بطنی بسته کنند نمایند **۱۳** **بج** **۱۴** و عسل کل عسل با بونه
 جوز بویه بسیار افیون زعفران سوخته بکرم بر سر مالند و در اسهال اناج
 فقیه امتنع شده **۱۵** در دراض معده غیره و جاع مفاسل و نفوس و عرق

دو مع نورک و بر اسیر غیره ۱۶ صفت بر اسیر فونی زرشک بپازند
 در عرق الکلیف عرق کاذبان نکرده مالند **۱۷** **۱۸** **۱۹** **۲۰** **۲۱** **۲۲** **۲۳** **۲۴** **۲۵** **۲۶** **۲۷** **۲۸** **۲۹** **۳۰** **۳۱** **۳۲** **۳۳** **۳۴** **۳۵** **۳۶** **۳۷** **۳۸** **۳۹** **۴۰** **۴۱** **۴۲** **۴۳** **۴۴** **۴۵** **۴۶** **۴۷** **۴۸** **۴۹** **۵۰** **۵۱** **۵۲** **۵۳** **۵۴** **۵۵** **۵۶** **۵۷** **۵۸** **۵۹** **۶۰** **۶۱** **۶۲** **۶۳** **۶۴** **۶۵** **۶۶** **۶۷** **۶۸** **۶۹** **۷۰** **۷۱** **۷۲** **۷۳** **۷۴** **۷۵** **۷۶** **۷۷** **۷۸** **۷۹** **۸۰** **۸۱** **۸۲** **۸۳** **۸۴** **۸۵** **۸۶** **۸۷** **۸۸** **۸۹** **۹۰** **۹۱** **۹۲** **۹۳** **۹۴** **۹۵** **۹۶** **۹۷** **۹۸** **۹۹** **۱۰۰**
 داخل ده شغوفه مقلدیا تا بنوشند **۱۱** **۱۲** **۱۳** **۱۴** **۱۵** **۱۶** **۱۷** **۱۸** **۱۹** **۲۰** **۲۱** **۲۲** **۲۳** **۲۴** **۲۵** **۲۶** **۲۷** **۲۸** **۲۹** **۳۰** **۳۱** **۳۲** **۳۳** **۳۴** **۳۵** **۳۶** **۳۷** **۳۸** **۳۹** **۴۰** **۴۱** **۴۲** **۴۳** **۴۴** **۴۵** **۴۶** **۴۷** **۴۸** **۴۹** **۵۰** **۵۱** **۵۲** **۵۳** **۵۴** **۵۵** **۵۶** **۵۷** **۵۸** **۵۹** **۶۰** **۶۱** **۶۲** **۶۳** **۶۴** **۶۵** **۶۶** **۶۷** **۶۸** **۶۹** **۷۰** **۷۱** **۷۲** **۷۳** **۷۴** **۷۵** **۷۶** **۷۷** **۷۸** **۷۹** **۸۰** **۸۱** **۸۲** **۸۳** **۸۴** **۸۵** **۸۶** **۸۷** **۸۸** **۸۹** **۹۰** **۹۱** **۹۲** **۹۳** **۹۴** **۹۵** **۹۶** **۹۷** **۹۸** **۹۹** **۱۰۰**
 بپزند بسیار کاه بگویند بخورند **۱۱** **۱۲** **۱۳** **۱۴** **۱۵** **۱۶** **۱۷** **۱۸** **۱۹** **۲۰** **۲۱** **۲۲** **۲۳** **۲۴** **۲۵** **۲۶** **۲۷** **۲۸** **۲۹** **۳۰** **۳۱** **۳۲** **۳۳** **۳۴** **۳۵** **۳۶** **۳۷** **۳۸** **۳۹** **۴۰** **۴۱** **۴۲** **۴۳** **۴۴** **۴۵** **۴۶** **۴۷** **۴۸** **۴۹** **۵۰** **۵۱** **۵۲** **۵۳** **۵۴** **۵۵** **۵۶** **۵۷** **۵۸** **۵۹** **۶۰** **۶۱** **۶۲** **۶۳** **۶۴** **۶۵** **۶۶** **۶۷** **۶۸** **۶۹** **۷۰** **۷۱** **۷۲** **۷۳** **۷۴** **۷۵** **۷۶** **۷۷** **۷۸** **۷۹** **۸۰** **۸۱** **۸۲** **۸۳** **۸۴** **۸۵** **۸۶** **۸۷** **۸۸** **۸۹** **۹۰** **۹۱** **۹۲** **۹۳** **۹۴** **۹۵** **۹۶** **۹۷** **۹۸** **۹۹** **۱۰۰**
 صمغ کف است باب تازه بخورند **۱۱** **۱۲** **۱۳** **۱۴** **۱۵** **۱۶** **۱۷** **۱۸** **۱۹** **۲۰** **۲۱** **۲۲** **۲۳** **۲۴** **۲۵** **۲۶** **۲۷** **۲۸** **۲۹** **۳۰** **۳۱** **۳۲** **۳۳** **۳۴** **۳۵** **۳۶** **۳۷** **۳۸** **۳۹** **۴۰** **۴۱** **۴۲** **۴۳** **۴۴** **۴۵** **۴۶** **۴۷** **۴۸** **۴۹** **۵۰** **۵۱** **۵۲** **۵۳** **۵۴** **۵۵** **۵۶** **۵۷** **۵۸** **۵۹** **۶۰** **۶۱** **۶۲** **۶۳** **۶۴** **۶۵** **۶۶** **۶۷** **۶۸** **۶۹** **۷۰** **۷۱** **۷۲** **۷۳** **۷۴** **۷۵** **۷۶** **۷۷** **۷۸** **۷۹** **۸۰** **۸۱** **۸۲** **۸۳** **۸۴** **۸۵** **۸۶** **۸۷** **۸۸** **۸۹** **۹۰** **۹۱** **۹۲** **۹۳** **۹۴** **۹۵** **۹۶** **۹۷** **۹۸** **۹۹** **۱۰۰**
 در شرب ماک و جوشانند بهیمهاره بکیر زباده با بونه اکلیل المکس میسور کنیم
 تخم کتان تخم صندل در هشت اماراب جوشانند بهیمهاره بکیر زباده **۱۱** **۱۲** **۱۳** **۱۴** **۱۵** **۱۶** **۱۷** **۱۸** **۱۹** **۲۰** **۲۱** **۲۲** **۲۳** **۲۴** **۲۵** **۲۶** **۲۷** **۲۸** **۲۹** **۳۰** **۳۱** **۳۲** **۳۳** **۳۴** **۳۵** **۳۶** **۳۷** **۳۸** **۳۹** **۴۰** **۴۱** **۴۲** **۴۳** **۴۴** **۴۵** **۴۶** **۴۷** **۴۸** **۴۹** **۵۰** **۵۱** **۵۲** **۵۳** **۵۴** **۵۵** **۵۶** **۵۷** **۵۸** **۵۹** **۶۰** **۶۱** **۶۲** **۶۳** **۶۴** **۶۵** **۶۶** **۶۷** **۶۸** **۶۹** **۷۰** **۷۱** **۷۲** **۷۳** **۷۴** **۷۵** **۷۶** **۷۷** **۷۸** **۷۹** **۸۰** **۸۱** **۸۲** **۸۳** **۸۴** **۸۵** **۸۶** **۸۷** **۸۸** **۸۹** **۹۰** **۹۱** **۹۲** **۹۳** **۹۴** **۹۵** **۹۶** **۹۷** **۹۸** **۹۹** **۱۰۰**
 زرد باد با عرق کافور پودت پنج از کبیر و عرق باد با عرق کبیر جوشانند نصف نمایند

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰

۳۴

۳۵

۳۶

۳۷

۳۸

۳۹

۴۰

۴۱

۴۲

۴۳

۴۴

۴۵

۴۶

۴۷

۴۸

۴۹

۵۰

۵۱

۵۲

۵۳

۵۴

۵۵

۵۶

۵۷

۵۸

۵۹

۶۰

۶۱

۶۲

۶۳

۶۴

۶۵

۶۶

۶۷

۶۸

۶۹

۷۰

۷۱

۷۲

۷۳

۷۴

۷۵

۷۶

۷۷

۷۸

۷۹

۸۰

۸۱

۸۲

۸۳

۸۴

۸۵

۸۶

۸۷

۸۸

۸۹

۹۰

۹۱

۹۲

۹۳

۹۴

۹۵

۹۶

۹۷

۹۸

۹۹

۱۰۰

شماره ۱۹۹

75

[illegible]

۱۰۹

سعی در این کار
در این کتاب
در این کتاب

سعی در این کار
در این کتاب
در این کتاب

در این کتاب
در این کتاب
در این کتاب

در این کتاب
در این کتاب
در این کتاب

در این کتاب
در این کتاب
در این کتاب

در این کتاب

علاء الدین

جوابی که اگر از آنجا که نیکو نیت و دگر بند و در میان آن بهتر
قلع نباده در دوا بد و دست خاندن از طردن نهاده از یک طرف آنش و بر
بد سر شدن خاک سفید قلع با احتیاط نام بگوید که بد دیگر خاک مزوج
محرر است **ادوا غریب** **رسم** قرنفل فلفل سیاه یک
اول را یکپور در کثوره می انداخته بر آنش نهند اندک دود بر آید از آنش
بر آورده هر سه دویه جدا جدا با یکدیگر مخلوط ساخته و در ملا شش ماهه
هفت عدد کویه بند دیک کویه بر آه من قالی عقب بخورند و
باقی بیک صبح و شام تا سه روز بخورد و از نیدن وقت خوردن بادوا
تعلق نباشد و اگر بادوا تعلق خواهد شد دندان خواهر اقمار غذا شیر ماهه
خام و برنج بی کت تا سه روز بخورد و اگر آید در دهان و فستقید تنقیه
از بزرک چنبیا با جبال الجنال و آب جوش داده غرغره نمایند **اسطوخودوس**
بخت یعنی که از کار رفته باشد و آنرا شش احص سفید آمد و بارانی به شمع
چوبه حرم سفید حبس مدین اول چوبه دوم و در طرف این
جوش و در بعد از آن از آنش فرود آورده مغز حبس مدین با یکدیگر و اندک
و سوم مایه زار با یکدیگر خوش فماش سازند بیشتر کرده بر قضیب
از یکدیگر و از آنش

جوابی که اگر از آنجا که نیکو نیت و دگر بند و در میان آن بهتر
قلع نباده در دوا بد و دست خاندن از طردن نهاده از یک طرف آنش و بر
بد سر شدن خاک سفید قلع با احتیاط نام بگوید که بد دیگر خاک مزوج
محرر است **ادوا غریب** **رسم** قرنفل فلفل سیاه یک
اول را یکپور در کثوره می انداخته بر آنش نهند اندک دود بر آید از آنش
بر آورده هر سه دویه جدا جدا با یکدیگر مخلوط ساخته و در ملا شش ماهه
هفت عدد کویه بند دیک کویه بر آه من قالی عقب بخورند و
باقی بیک صبح و شام تا سه روز بخورد و از نیدن وقت خوردن بادوا
تعلق نباشد و اگر بادوا تعلق خواهد شد دندان خواهر اقمار غذا شیر ماهه
خام و برنج بی کت تا سه روز بخورد و اگر آید در دهان و فستقید تنقیه
از بزرک چنبیا با جبال الجنال و آب جوش داده غرغره نمایند **اسطوخودوس**
بخت یعنی که از کار رفته باشد و آنرا شش احص سفید آمد و بارانی به شمع
چوبه حرم سفید حبس مدین اول چوبه دوم و در طرف این
جوش و در بعد از آن از آنش فرود آورده مغز حبس مدین با یکدیگر و اندک
و سوم مایه زار با یکدیگر خوش فماش سازند بیشتر کرده بر قضیب
از یکدیگر و از آنش

جوابی که اگر از آنجا که نیکو نیت و دگر بند و در میان آن بهتر
قلع نباده در دوا بد و دست خاندن از طردن نهاده از یک طرف آنش و بر
بد سر شدن خاک سفید قلع با احتیاط نام بگوید که بد دیگر خاک مزوج
محرر است **ادوا غریب** **رسم** قرنفل فلفل سیاه یک
اول را یکپور در کثوره می انداخته بر آنش نهند اندک دود بر آید از آنش
بر آورده هر سه دویه جدا جدا با یکدیگر مخلوط ساخته و در ملا شش ماهه
هفت عدد کویه بند دیک کویه بر آه من قالی عقب بخورند و
باقی بیک صبح و شام تا سه روز بخورد و از نیدن وقت خوردن بادوا
تعلق نباشد و اگر بادوا تعلق خواهد شد دندان خواهر اقمار غذا شیر ماهه
خام و برنج بی کت تا سه روز بخورد و اگر آید در دهان و فستقید تنقیه
از بزرک چنبیا با جبال الجنال و آب جوش داده غرغره نمایند **اسطوخودوس**
بخت یعنی که از کار رفته باشد و آنرا شش احص سفید آمد و بارانی به شمع
چوبه حرم سفید حبس مدین اول چوبه دوم و در طرف این
جوش و در بعد از آن از آنش فرود آورده مغز حبس مدین با یکدیگر و اندک
و سوم مایه زار با یکدیگر خوش فماش سازند بیشتر کرده بر قضیب
از یکدیگر و از آنش

Handwritten text in Urdu script, likely a signature or a note, located at the bottom of the page.

Handwritten signature and date: 12/1/1911

دین اصل
است

و در این فصل از کتاب

پیدا شد و در آنجا

عقربا
چای
درج
درج
درج
درج

طراز نماید و صبح را
بنویسد تا غروب
فراش طالع و فصل و
ساعت تا قص و فصل

وہاں سے پہلے

بقراة نقد ارشد قد مدحل عمل اب سرد آسيزند و پنج شقال
نقد کتبه بنده و نقد خراس بنده و نقد دود بنده
و نقد بنده و نقد بنده و نقد بنده و نقد بنده و نقد بنده

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰
 ۲۰۱
 ۲۰۲
 ۲۰۳
 ۲۰۴
 ۲۰۵
 ۲۰۶
 ۲۰۷
 ۲۰۸
 ۲۰۹
 ۲۱۰
 ۲۱۱
 ۲۱۲
 ۲۱۳
 ۲۱۴
 ۲۱۵
 ۲۱۶
 ۲۱۷
 ۲۱۸
 ۲۱۹
 ۲۲۰
 ۲۲۱
 ۲۲۲
 ۲۲۳
 ۲۲۴
 ۲۲۵
 ۲۲۶
 ۲۲۷
 ۲۲۸
 ۲۲۹
 ۲۳۰
 ۲۳۱
 ۲۳۲
 ۲۳۳
 ۲۳۴
 ۲۳۵
 ۲۳۶
 ۲۳۷
 ۲۳۸
 ۲۳۹
 ۲۴۰
 ۲۴۱
 ۲۴۲
 ۲۴۳
 ۲۴۴
 ۲۴۵
 ۲۴۶
 ۲۴۷
 ۲۴۸
 ۲۴۹
 ۲۵۰
 ۲۵۱
 ۲۵۲
 ۲۵۳
 ۲۵۴
 ۲۵۵
 ۲۵۶
 ۲۵۷
 ۲۵۸
 ۲۵۹
 ۲۶۰
 ۲۶۱
 ۲۶۲
 ۲۶۳
 ۲۶۴
 ۲۶۵
 ۲۶۶
 ۲۶۷
 ۲۶۸
 ۲۶۹
 ۲۷۰
 ۲۷۱
 ۲۷۲
 ۲۷۳
 ۲۷۴
 ۲۷۵
 ۲۷۶
 ۲۷۷
 ۲۷۸
 ۲۷۹
 ۲۸۰
 ۲۸۱
 ۲۸۲
 ۲۸۳
 ۲۸۴
 ۲۸۵
 ۲۸۶
 ۲۸۷
 ۲۸۸
 ۲۸۹
 ۲۹۰
 ۲۹۱
 ۲۹۲
 ۲۹۳
 ۲۹۴
 ۲۹۵
 ۲۹۶
 ۲۹۷
 ۲۹۸
 ۲۹۹
 ۳۰۰
 ۳۰۱
 ۳۰۲
 ۳۰۳
 ۳۰۴
 ۳۰۵
 ۳۰۶
 ۳۰۷
 ۳۰۸
 ۳۰۹
 ۳۱۰
 ۳۱۱
 ۳۱۲
 ۳۱۳
 ۳۱۴
 ۳۱۵
 ۳۱۶
 ۳۱۷
 ۳۱۸
 ۳۱۹
 ۳۲۰
 ۳۲۱
 ۳۲۲
 ۳۲۳
 ۳۲۴
 ۳۲۵
 ۳۲۶
 ۳۲۷
 ۳۲۸
 ۳۲۹
 ۳۳۰
 ۳۳۱
 ۳۳۲
 ۳۳۳
 ۳۳۴
 ۳۳۵
 ۳۳۶
 ۳۳۷
 ۳۳۸
 ۳۳۹
 ۳۴۰
 ۳۴۱
 ۳۴۲
 ۳۴۳
 ۳۴۴
 ۳۴۵
 ۳۴۶
 ۳۴۷
 ۳۴۸
 ۳۴۹
 ۳۵۰
 ۳۵۱
 ۳۵۲
 ۳۵۳
 ۳۵۴
 ۳۵۵
 ۳۵۶
 ۳۵۷
 ۳۵۸
 ۳۵۹
 ۳۶۰
 ۳۶۱
 ۳۶۲
 ۳۶۳
 ۳۶۴
 ۳۶۵
 ۳۶۶
 ۳۶۷
 ۳۶۸
 ۳۶۹
 ۳۷۰
 ۳۷۱
 ۳۷۲
 ۳۷۳
 ۳۷۴
 ۳۷۵
 ۳۷۶
 ۳۷۷
 ۳۷۸
 ۳۷۹
 ۳۸۰
 ۳۸۱
 ۳۸۲
 ۳۸۳
 ۳۸۴
 ۳۸۵
 ۳۸۶
 ۳۸۷
 ۳۸۸
 ۳۸۹
 ۳۹۰
 ۳۹۱
 ۳۹۲
 ۳۹۳
 ۳۹۴
 ۳۹۵
 ۳۹۶
 ۳۹۷
 ۳۹۸
 ۳۹۹
 ۴۰۰
 ۴۰۱
 ۴۰۲
 ۴۰۳
 ۴۰۴
 ۴۰۵
 ۴۰۶
 ۴۰۷
 ۴۰۸
 ۴۰۹
 ۴۱۰
 ۴۱۱
 ۴۱۲
 ۴۱۳
 ۴۱۴
 ۴۱۵
 ۴۱۶
 ۴۱۷
 ۴۱۸
 ۴۱۹
 ۴۲۰
 ۴۲۱
 ۴۲۲
 ۴۲۳
 ۴۲۴
 ۴۲۵
 ۴۲۶
 ۴۲۷
 ۴۲۸
 ۴۲۹
 ۴۳۰
 ۴۳۱
 ۴۳۲
 ۴۳۳
 ۴۳۴
 ۴۳۵
 ۴۳۶
 ۴۳۷
 ۴۳۸
 ۴۳۹
 ۴۴۰
 ۴۴۱
 ۴۴۲
 ۴۴۳
 ۴۴۴
 ۴۴۵
 ۴۴۶
 ۴۴۷
 ۴۴۸
 ۴۴۹
 ۴۵۰
 ۴۵۱
 ۴۵۲
 ۴۵۳
 ۴۵۴
 ۴۵۵
 ۴۵۶
 ۴۵۷
 ۴۵۸
 ۴۵۹
 ۴۶۰
 ۴۶۱
 ۴۶۲
 ۴۶۳
 ۴۶۴
 ۴۶۵
 ۴۶۶
 ۴۶۷
 ۴۶۸
 ۴۶۹
 ۴۷۰
 ۴۷۱

کلمه مبارک بود هر که
 حفظ
 افتد جز بوی اسرار آید
 اندر او نماند هیچ قدر آن
 و صفی نه که او را این جفا نبیند
 از لیسان مستقیم
 و در نهان عبادان
 سنجیدند و در سجده
 از بر روی او سرود
 حرم و کس از نهان

[illegible]

بسمه تعالی
تتمت در ابواب الکلیه
بسمه تعالی

1

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على سيدنا محمد
آله الطيبين الطاهرين

کثیرا و خیرا و کوفه بخیر تر از زرد و سفید و صلیح
با بکرم و دیوس کندم بشویند دیگر **دفع** تر مسخی تر بکرم
قسط تلخ مغز ادم تلخ بوره در من فلفل سیاه فلفل ارزنق باب بر کرب
طلا نایند فلفل **ترکب** سون **ترکب** سون **ترکب** سون **ترکب** سون
براده آینه بکرم سون مکی مصطکی و سونک اوجت زرب و زرد
براده آینه و تونیا کوفه با هم در عرق بیهون کاغذ زرب عجب نیندخت
پیر بکند از من خنک غوغه مثل سید اجزا بار یک سایه باره بنیز کرده
با هم در بنجه سون سازند **ترکب** سون **ترکب** سون **ترکب** سون **ترکب** سون
نوش در اول ماز و در اول کله بر میان کنند تا اگر تر قیده کرد و بعد بیدار
رود آب تر کر کنند تا سه روز بستر اش پر کرده هر سه جز را جدا گانه نفوف
ساخته و نفوف ماز و دست را سخ را با باره هر غوغه اول نوش
در آب بیدار حل کنند بعد هر دو نفوف بپارند و خوب حل کنند و خوب
بسته بکار بپارند وقت حاجت در آن ماسایند بکار بر بند **دفع** تر
نوش در مقل ارزنق در مقل حل کنند یا در مقل کا و بنجه حله را در
عرق بپارند تا مستور کرد و بر بوا سیر به بند و از فراها و منقار

منال ارم از من فلفل
دفع تر مسخی تر بکرم
قسط تلخ مغز ادم تلخ بوره
در من فلفل سیاه فلفل ارزنق
باب بر کرب
طلا نایند فلفل
ترکب سون
ترکب سون
ترکب سون
ترکب سون
براده آینه
بکرم سون
مکی مصطکی
و سونک اوجت
زرب و زرد
براده آینه
و تونیا کوفه
با هم در عرق
بیهون کاغذ
زرب عجب
نیندخت
پیر بکند
از من خنک
غوغه مثل
سید اجزا
بار یک
سایه باره
بنیز کرده
با هم در
بنجه سون
سازند
ترکب سون
ترکب سون
ترکب سون
ترکب سون
نوش در
اول ماز و
در اول کله
بر میان
کنند تا اگر
تر قیده
کرد و بعد
بیدار
رود آب
تر کر کنند
تا سه روز
بستر اش
پر کرده
هر سه جز
را جدا گانه
نفوف
ساخته و
نفوف ماز
و دست را
سخ را با
باره هر
غوغه اول
نوش
در آب
بیدار حل
کنند بعد
هر دو
نفوف
بپارند و
خوب حل
کنند و
خوب
بسته
بکار
بپارند
وقت
حاجت
در آن
ماسایند
بکار
بر بند
دفع تر
نوش
در مقل
ارزنق
در مقل
حل کنند
یا در
مقل کا
و بنجه
حله را
در
عرق
بپارند
تا مستور
کرد و
بر بوا
سیر به
بند و
از فراها
و منقار

[illegible]

کنند از بیارد و با فدر آب بر آتش بخند در روغن بنفشه یا میزند و

قویا را خراشید مالش نماید **در حس** بر سوزنند و آب

بگذارند عسل را با آن مخلوط نموده و در **در حس** مالش می کنند

کوفته و آب جگر ده مالش نماید **در حس** بر سوزنند و آب مالش نماید

بالا ران رد غش مالند **در حس** در یک اگر در سال یک عدد و بخورد تمام

عمر از شهرت ببقا کرد **در حس** در یک اگر در سال یک عدد و بخورد تمام

در حس در یک اگر در سال یک عدد و بخورد تمام

جلاب آب نارین یا شیر خشت و شربت بنفشه و میوه چتر بر سرد و در

که در آرد و بار نباشد بنفشه در شربت بنفشه و میوه چتر بر سرد و در

مار العنبر و شربت نارین و شربت عذره و لیمون حماض و قرص

کافور و قرص بنفشه و قرص بنفشه و قرص بنفشه و قرص بنفشه

و مانند آن نوشیدن و صندل و گلزار و آقا قیا و کل از میوه و شربت

بابت کاهو بر قطن و کرده ضما و کردن و از اغذیه حصر میوه و مانند

و مانند آن هر چه بارد و قابض بود اکتفا کردن نفع تمام دارد **در حس**

در حس در یک اگر در سال یک عدد و بخورد تمام

۱۰۰۰م ۵۰۰م ۵۰۰م ۵۰۰م ۵۰۰م

بیماری
جبهه صفت و فواید

بیماری
جبهه صفت و فواید

بیماری
جبهه صفت و فواید

بیماری
جبهه صفت و فواید

بیماری
جبهه صفت و فواید

بیماری
جبهه صفت و فواید

بیماری
جبهه صفت و فواید

بیماری
جبهه صفت و فواید

قسم حاضر کل از منی صندل سفید کنند سماق صمغ عربی کاجور و غیره
بنحیه باب خرفه یا کاهور اقراص غصه نکاهور و غیره **بنحیه باب خرفه**
فردی بیس ببول اگر تازه بهم رسد فهو المراد والا فحک و بقدر
نیم باو کوفته تا بک غلظت و در آب دریا حل نمایند مثل حریر که درون
دریاچه گشت نمایند و دیگر آب نیز انداخته بفرار ثقل دور نمایند و آن
آب صاف کرده را در ظرفی بپزند انداخته اگر بقدر نیم باو باشند نفس
کثیر بابرین رسیده بپایزند و بپزند تا بغلظت رسد و از خوب
حرکت داده باشند از آب بر یک کبیر قطره قطره مثل روشنائی بچکانند و
در آفتاب خشک سازند و نکاهورند و بپزند تا بوقت حاجت بکوب
بقدر نفس خرد و کثوره بر بخارند اخته جسد خود که از کمر جسد را بپزند
می نماید بقدر کثرت از پخته از دست برنج آب بپزند که بسیار بهم رسانند
نکاهور از طریق سرفه از منی چشم کنند و متواتر بعل آوند یک ریخته
باز بر و در آب فتن و رخ شود اگر بپای ببول تازه بهم رسد بهیچ طریقی
عمل نمایند **بنحیه باب خرفه** جبهه صفت و فواید
نشان کوفته بنحیه بلعاب ببول اقراص سازند شربت

[illegible]

[illegible]

قند سیاه چارم بر کاه مایل پتیر کشیده و نوحه کرده بر درده تبیل را کاهارند و مالش
 مینموده باشند و از هوا احتراز نمایند **در صحت انداختن** **در صحت انداختن** **در صحت انداختن**
 در کاهه باب ساید نه بار بنوشند تا لکیده **در صحت انداختن** **در صحت انداختن** **در صحت انداختن**
 فلفل سیاه زنجبیل مورد و صبر کوفته بخورند بعد از سه چندان و در بر سر کنند
مقدور اصل الکس بنیل الطیب مصطکی روم طبا نیر کل سفوف
 بجنه تصحیح وزن نموده با کفند آفتاب بر سر کنند **در صحت انداختن** **در صحت انداختن** **در صحت انداختن**
 و زرد باشد که تا خورد بر دروغ **در صحت انداختن** **در صحت انداختن** **در صحت انداختن**
 گرفته بطور مرهم بر زخم بندند خشک شود بید فو کافست **در صحت انداختن** **در صحت انداختن** **در صحت انداختن**
 پا چکدشته بوزند و خاکستر از او در ظرف برنجی بار و خنک اندازند
 ریخته بسیار مالند تا چهار کپڑای زیاد تا مثل سرمه کرده بود در غنچه
 فکود صکرده بستیم تیر از آب بنوشند تا مثل مرهم شود کاهارند
 و بر زخم طلا نمایند **در صحت انداختن** **در صحت انداختن** **در صحت انداختن**
 بگیرند و پاک کرده بر دروغ کاه و جرب نمایند پس شیر و دوب سبز
 و شیر و جرب و بیک قدر با هم ضم کرده در نیک اندازند و بدست
 مالند و بر شغال نو بر آتش نرم نمایند پس فرود آورده سرد نمایند

و باز شیرها را نزد کور اینجند برمان کنند سپس آن هفت مرتبه بریان
 نموده بکار باید آورد و **فان در این میان مهر که عمل اعیان در دست**
برای تلخیص وضع او را مینویسند و **مذخر** بر پنج چهار دام بگویند
 چنانکه بر آفرینش میسازند و در یک امارت حضرت پسرند تا بهجوه
 کبیر شود و اگر بخار بر پنج آرد و در پسرند همان عمل کنند از حور بات گری
طریق کشیدن است لبان و **نیز سوزن بکبرند لبان** نیم کوب
 کنند و ستانند و یک قطی و لبان در وی مطبخ کنند و این چنان باید کرد
 که قطعات لبان با یکدیگر پیوسته باشند و ته بالا شود پس دهانه
 از آن سر پوشش کل بپوشند و به آرد یا گل مضبوط سازند و دهانه یک سر پوشش
 کل بنیاید پوشند و سر بچمی بر آید نهان کاسه باید پوشند که عمل آرد
 و بر دیگران نیز در زیر وی جراح بسوزانند و این جراح چنان باشد
 که یکپا و تیل در آن کنی و قشید و چنان باید کرد که یکپا و تیل در تمام
 شب بسوزد و باقی نماند و این جراح زیر و یکچو چنان دارند که
 در قشید و یکچو مقدار دو نیم انگشت مضموم فصل باشد تمام شب
 نهاده دارند و صبح سر پوشش بکشند تمام عده بتصادف بر آید

در وقت صبح
 در وقت ظهر
 در وقت عصر
 در وقت شب
 در وقت خواب
 در وقت بیداری
 در وقت غذا خوردن
 در وقت نوشیدن
 در وقت تنهایی
 در وقت مشغولیت
 در وقت استراحت
 در وقت کار
 در وقت بازی
 در وقت درس خواندن
 در وقت تفریح
 در وقت نماز
 در وقت دعا
 در وقت سجده
 در وقت رکعت
 در وقت تشهد
 در وقت سلام
 در وقت توبه
 در وقت استغفار
 در وقت توبه
 در وقت استغفار
 در وقت توبه
 در وقت استغفار

در یک روز پس خوابید اگر در خواب دراز بود و در خواب
 عرق اینها در اجزای است موازنه یکسانه با بانی بخورند و در سم سما
 و اگر مزاج سرد باشد در دست و پا نیز مالند و گرم مزاج را خوردن نشاید
 مالیدنش کافیهست **طریق دیگر** لبان را بطریق معهود در دیکت کنند
 و بر سر دیکت تان کاپنه نهند و کرد و کرد و یکجه بار دماش و دیکت پذیر
 وی آتش نرم کنند تا یکپاس آنچه موه مانند زیر سما یکسبب گیرند
 سینه قضیب بالیدن و خوردن و در شو و باه آرد **طریق دیگر**
روش **طریق دیگر** که بر **طریق دیگر** با اس با تیره را یک سمت در آب
 تر دانند و است از در و در و سازند و مواضع سازند و در دیک
 کله هر نوع ستم لیس و او خشک کرده بطریق تیل جنت و در حفر مرغ
 مقدار نیم کوزه بالایش با جلد شسته که تمام حفره مملو شود و در کشند
 لیکن زیر لبوی زیر بند و حفره خورد و پیاله آب باید گذاشت
قرصه **بوست** پنج گنبر سفید میله تیل در چینه عاقر قره خافیهون
 چند پیدستر نیم کوزه مغرب بغیر تخم و پسته کباده بپزینند
 خراطین کباده هر یک دوام کوفته بخند و در شراب و آتش کبرل نم

افزودن

بگیرند به بن طریق که رطوبت و حبس گرفته و دو دو باره کرده و بگویند
بنیاد و وقت پنج شش کمری کتب فی فائده از آب گرم فروزند و خوب
روند علی الصبح یک جام آب گرم بنوشند بعد چهار کمری یک جام آب
گرم دیگر و بعد چهار کمری یک جام آب گرم شربت یک شربتی بوزن پنج فلوکس
نیم گرم بنوشند و دو چهار آب بخنی و اگر کسی از کوشش احتراز کند
بجای بخنی مویز مسک و در یک لیوان آب بکوبند و آب باز در صبح

بنوشند و وقت شش غرق کافوریان علی اللیل صبح تیرید
یادمان گارسی و آب سبزه بکشد بر آورده و اگر کسی بیا
اصح بنوشند و همین طور سهیل بگیرند و حبوب کبک حاجت
تا پنج شش هفت بدهند و توقف فیما بین سهولات یک روز
یا زیاد و موافق حال مریض در روز سهیل اگر رسد حال با فراوانی
قدری روغ بخورند و از آب سرد دست و پا نشویند و بتفتیه
بغایت مفید است ~~توبت ببلند و توبت ببلند~~
توبت ببلند ~~توبت ببلند~~ و همایون ~~توبت ببلند~~ و همایون ~~توبت ببلند~~
هر روزه و بود در ~~توبت ببلند~~ و همایون ~~توبت ببلند~~ و همایون ~~توبت ببلند~~
توبت ببلند و بود در ~~توبت ببلند~~ و همایون ~~توبت ببلند~~ و همایون ~~توبت ببلند~~

در سیر کائنات منتهی بگویند هر قدری نیروی یک انداخته خوش
 و سبب تا نصف باشد سیر دور کرده قدری سیر دیگر انداخته و حقیقت
 کنند که مغز جال کوته سوخته نشود با ریخته سیر امثل گویند کرده
 پس جال کوته را بر آورده چنانچه پیراهن را دور خسته بگویند
 و قدری دهنیت از و بر آرند محض خست کنند بعد شکر
 بندهم چون که سیرم بید مزوج نموده پس کمال کامل
 نمایند و مقدار خوف بیدند بعد فراغت از سیر سهل حساب
 یک سهل مغز فلس حجت حرارت غریبه که از جنوب پیدا میشود
 بگویند **کحل نصف کحل کا و زبان کحل بنور خست**
 حرارت کا و زبان با در بخوبی مویر شوق غلبه الوکالو بستان
 سماع صفتی بگویند که گاهی در شکم پیدا نمیشود و در وقت
 عصب عرق کا و زبان عرق گاهی عرق تن عرق
 جمع او ویرا بگویند نصف باشد چنانچه مغز فلس
 نیز بگویند سیر خست حلاکه چنانچه مغز فواید دام و اصل که بگویند
بیدانه ریشه خطر را بفعول در عرق کا و زبان
 ۱۰۱ ۱۰۲ ۱۰۳ ۱۰۴ ۱۰۵

[illegible]

三

بر آورده از آب گرم نخست بده از آب سرد بده و در باره بار بکشد
در یکی او نهند و در سح چند شیر گاو بکوشند چون تمام شیر بسوزد بده
بر آورده از آب گرم بده از آب سرد و آذوقه ای سوخته بکاهند
بده نشاءه شمر بقر بوسه بده و او را بکشد و بکشد و در سح
شده خاکش بکشد آورده مقوم سازند و نگاهدارند فقط شربت از نصف
ماش تا سح و نفس نام یا بقد بر و کت طبع است بکار برند مگر بر شیر
ترش مناسب غذا فیلد طبعه فکای کند خف آتش در رحم از آب
که از کس و دانه نشود و ضعیف النفس و غده نافع و موجب زعفران
صنعت برگ گل سرخ و دیگر رطل در دوازده رطل آب بکوشند
چون در رطل آب بسوزد و بیالانید و گل تازه در رطل در می بکوشند
که یکیم رطل بسوزد و بیالانید و گل تازه یک رطل و نیم در آن جوش
دهند که یکیم رطل بسوزد و بیالانید و گل تازه یک رطل و نیم
طبع دهند که یکیم رطل دیگر بسوزد و بیالانید و نیم رطل گل تازه
مطبوخ نمایند که یکیم رطل دیگر بسوزد و چهار رطل آب بماند
پس قند سفید شش رطل انداخته بقوام آرند شربت
چاراد قیه تاسی درم باب سرد و برف و اگر سکنجبین

۱۰۲
۱۰۳
۱۰۴
۱۰۵
۱۰۶
۱۰۷
۱۰۸
۱۰۹
۱۱۰
۱۱۱
۱۱۲
۱۱۳
۱۱۴
۱۱۵
۱۱۶
۱۱۷
۱۱۸
۱۱۹
۱۲۰
۱۲۱
۱۲۲
۱۲۳
۱۲۴
۱۲۵
۱۲۶
۱۲۷
۱۲۸
۱۲۹
۱۳۰
۱۳۱
۱۳۲
۱۳۳
۱۳۴
۱۳۵
۱۳۶
۱۳۷
۱۳۸
۱۳۹
۱۴۰
۱۴۱
۱۴۲
۱۴۳
۱۴۴
۱۴۵
۱۴۶
۱۴۷
۱۴۸
۱۴۹
۱۵۰
۱۵۱
۱۵۲
۱۵۳
۱۵۴
۱۵۵
۱۵۶
۱۵۷
۱۵۸
۱۵۹
۱۶۰
۱۶۱
۱۶۲
۱۶۳
۱۶۴
۱۶۵
۱۶۶
۱۶۷
۱۶۸
۱۶۹
۱۷۰
۱۷۱
۱۷۲
۱۷۳
۱۷۴
۱۷۵
۱۷۶
۱۷۷
۱۷۸
۱۷۹
۱۸۰
۱۸۱
۱۸۲
۱۸۳
۱۸۴
۱۸۵
۱۸۶
۱۸۷
۱۸۸
۱۸۹
۱۹۰
۱۹۱
۱۹۲
۱۹۳
۱۹۴
۱۹۵
۱۹۶
۱۹۷
۱۹۸
۱۹۹
۲۰۰

۳۵۳
۳۵۴
۳۵۵
۳۵۶
۳۵۷
۳۵۸
۳۵۹
۳۶۰
۳۶۱
۳۶۲
۳۶۳
۳۶۴
۳۶۵
۳۶۶
۳۶۷
۳۶۸
۳۶۹
۳۷۰
۳۷۱
۳۷۲
۳۷۳
۳۷۴
۳۷۵
۳۷۶
۳۷۷
۳۷۸
۳۷۹
۳۸۰
۳۸۱
۳۸۲
۳۸۳
۳۸۴
۳۸۵
۳۸۶
۳۸۷
۳۸۸
۳۸۹
۳۹۰
۳۹۱
۳۹۲
۳۹۳
۳۹۴
۳۹۵
۳۹۶
۳۹۷
۳۹۸
۳۹۹
۴۰۰

۴۰۱
۴۰۲
۴۰۳
۴۰۴
۴۰۵
۴۰۶
۴۰۷
۴۰۸
۴۰۹
۴۱۰
۴۱۱
۴۱۲
۴۱۳
۴۱۴
۴۱۵
۴۱۶
۴۱۷
۴۱۸
۴۱۹
۴۲۰
۴۲۱
۴۲۲
۴۲۳
۴۲۴
۴۲۵
۴۲۶
۴۲۷
۴۲۸
۴۲۹
۴۳۰
۴۳۱
۴۳۲
۴۳۳
۴۳۴
۴۳۵
۴۳۶
۴۳۷
۴۳۸
۴۳۹
۴۴۰
۴۴۱
۴۴۲
۴۴۳
۴۴۴
۴۴۵
۴۴۶
۴۴۷
۴۴۸
۴۴۹
۴۵۰
۴۵۱
۴۵۲
۴۵۳
۴۵۴
۴۵۵
۴۵۶
۴۵۷
۴۵۸
۴۵۹
۴۶۰
۴۶۱
۴۶۲
۴۶۳
۴۶۴
۴۶۵
۴۶۶
۴۶۷
۴۶۸
۴۶۹
۴۷۰
۴۷۱
۴۷۲
۴۷۳
۴۷۴
۴۷۵
۴۷۶
۴۷۷
۴۷۸
۴۷۹
۴۸۰
۴۸۱
۴۸۲
۴۸۳
۴۸۴
۴۸۵
۴۸۶
۴۸۷
۴۸۸
۴۸۹
۴۹۰
۴۹۱
۴۹۲
۴۹۳
۴۹۴
۴۹۵
۴۹۶
۴۹۷
۴۹۸
۴۹۹
۵۰۰

۵۰۱
۵۰۲
۵۰۳
۵۰۴
۵۰۵
۵۰۶
۵۰۷
۵۰۸
۵۰۹
۵۱۰
۵۱۱
۵۱۲
۵۱۳
۵۱۴
۵۱۵
۵۱۶
۵۱۷
۵۱۸
۵۱۹
۵۲۰
۵۲۱
۵۲۲
۵۲۳
۵۲۴
۵۲۵
۵۲۶
۵۲۷
۵۲۸
۵۲۹
۵۳۰
۵۳۱
۵۳۲
۵۳۳
۵۳۴
۵۳۵
۵۳۶
۵۳۷
۵۳۸
۵۳۹
۵۴۰
۵۴۱
۵۴۲
۵۴۳
۵۴۴
۵۴۵
۵۴۶
۵۴۷
۵۴۸
۵۴۹
۵۵۰
۵۵۱
۵۵۲
۵۵۳
۵۵۴
۵۵۵
۵۵۶
۵۵۷
۵۵۸
۵۵۹
۵۶۰
۵۶۱
۵۶۲
۵۶۳
۵۶۴
۵۶۵
۵۶۶
۵۶۷
۵۶۸
۵۶۹
۵۷۰
۵۷۱
۵۷۲
۵۷۳
۵۷۴
۵۷۵
۵۷۶
۵۷۷
۵۷۸
۵۷۹
۵۸۰
۵۸۱
۵۸۲
۵۸۳
۵۸۴
۵۸۵
۵۸۶
۵۸۷
۵۸۸
۵۸۹
۵۹۰
۵۹۱
۵۹۲
۵۹۳
۵۹۴
۵۹۵
۵۹۶
۵۹۷
۵۹۸
۵۹۹
۶۰۰

۶۰۱
۶۰۲
۶۰۳
۶۰۴
۶۰۵
۶۰۶
۶۰۷
۶۰۸
۶۰۹
۶۱۰
۶۱۱
۶۱۲
۶۱۳
۶۱۴
۶۱۵
۶۱۶
۶۱۷
۶۱۸
۶۱۹
۶۲۰
۶۲۱
۶۲۲
۶۲۳
۶۲۴
۶۲۵
۶۲۶
۶۲۷
۶۲۸
۶۲۹
۶۳۰
۶۳۱
۶۳۲
۶۳۳
۶۳۴
۶۳۵
۶۳۶
۶۳۷
۶۳۸
۶۳۹
۶۴۰
۶۴۱
۶۴۲
۶۴۳
۶۴۴
۶۴۵
۶۴۶
۶۴۷
۶۴۸
۶۴۹
۶۵۰
۶۵۱
۶۵۲
۶۵۳
۶۵۴
۶۵۵
۶۵۶
۶۵۷
۶۵۸
۶۵۹
۶۶۰
۶۶۱
۶۶۲
۶۶۳
۶۶۴
۶۶۵
۶۶۶
۶۶۷
۶۶۸
۶۶۹
۶۷۰
۶۷۱
۶۷۲
۶۷۳
۶۷۴
۶۷۵
۶۷۶
۶۷۷
۶۷۸
۶۷۹
۶۸۰
۶۸۱
۶۸۲
۶۸۳
۶۸۴
۶۸۵
۶۸۶
۶۸۷
۶۸۸
۶۸۹
۶۹۰
۶۹۱
۶۹۲
۶۹۳
۶۹۴
۶۹۵
۶۹۶
۶۹۷
۶۹۸
۶۹۹
۷۰۰

و در دم مزاج کنند وقت شرب و تقطیع صغیر و بالغ نافعه
آید و حاصله شربت در دست کمر چون بعد از آب سرد بنوشند
خوبتر عمل کنند تا در معدّه باشد و اگر طبع کسی عاقل باشد قدری
سقمونیا مشوی نیز مرکب گردانند و میرود در اعصاب بجای
قند باید داد فقط

رویتون نافه
رویتون نافه
باشند قدری
سن بجای

